

International Think Tank of
Human DignityThe Bioethics and Health
Law InstituteThe Iranian Association of
Medical Law

Food Security and Public and Criminal Policy in virtue of Sustainable Development

Mahdi Ghorbani Ghelejloo¹

1. Department of Law, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Food security is a condition in which all members of the human community, at all times, have physical, economic, social and cultural access to sufficient, safe and nutritious food that meets their dietary needs and food preferences for an active and healthy life. This international and national norm is derived from fundamental human rights of the first to the third generation, including the right to security, the right to food, the right to adequate food, the fundamental right to be free from hunger, the right to social security and welfare, the right to an adequate standard of living and the right to development. Within the international community, food security was initially considered a subsidiary target of the Millennium Development Goals and was subsequently recognized as an independent and primary goal of the Sustainable Development Goals in the UN General Assembly resolution (September 2015). This norm, which initially possessed a predominantly socio-economic character upon its formation, has gradually evolved into a social, economic, technical and legal value. Numerous global, regional and national challenges in the realms of poverty, malnutrition and hunger have elevated food security to a priority in national and international macro-level policymaking and planning. According to the definition contained in international instruments, the right to development entails advancement in all political, cultural, economic and social spheres, coupled with the equitable distribution of resources and benefits derived from development among all people. There is doctrinal disagreement regarding whether the people are the holders of third-generation rights and states bear the concomitant duties and in instances such as the right to development, whether states-without themselves being the direct holders of third-generation rights-act on the international level as representatives of their nations to realize these rights, or whether developing states themselves are considered the direct holders of this right. Numerous global, regional and national challenges in the areas of poverty, malnutrition and hunger have made food security a priority for national and international macro-policy and planning. This research aims to map the interdisciplinary knowledge between public and criminal policy issues concerning food security within the framework of the right to development as a creator of a new and transnational coordinating role for achieving sustainable food security. It seeks to answer the following questions: Has sustainable development listed food security as one of its objectives? What policies regarding food security have been formulated in the Sustainable Development document?

Methods: This research has been conducted and written using a qualitative approach and an analytical-descriptive method through the collection, study and analysis of library resources, international documents and online materials.

Ethical Considerations: In all stages of writing the present research, the ethical aspects of library-based study including the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: The right to development, as a third-generation human right, forms the basis of food security. Food security is also one of the indicators and goals of sustainable development. In other words, food security is realized within the context of sustainable development and is itself a factor in creating sustainable development. The second goal of the seventeen Sustainable Development Goals explicitly lists ensuring food security, improved nutrition and sustainable agriculture as objectives and programs for achieving sustainable development by 2030. Furthermore, the UN Conference on Sustainable Development, emphasized the issue of food security. The findings indicate the recognition of the food security norm by Iranian policymakers within the framework of international instruments, along with an analysis of the manifestations of diverse public policies in the developmental, economic, social, political, cultural and technical dimensions of food security in international documents. On the other hand, certain behaviors deviating from the food security norm have emerged and evolved as criminal phenomena, in parallel with the value of food security and have gradually taken on more complex forms. Countless deviations of professional, disciplinary, civil and criminal offenses, that threaten food security and its core pillars (availability, access, utilization and stability) and subsidiary components are clear manifestations of the criminal phenomenon threatening food security and are the subject of study for the science of criminal policy.

Conclusion: In the future envisioned by the international community, food security remains intertwined with comprehensive policymaking and targeting across various dimensions of food security. It appears that achieving sustainable food security will only be possible through sustainable development, or in local terms, balanced growth and progress in technical, scientific, economic and environmental dimensions, under stable and responsible governance conditions. This, despite potential discrepancies between domestic and international targets (focusing particularly on differences in development and progress objectives), can still serve as a doctrine for national policymaking.

Keywords: Food Security; Public Policy; Criminal Policy; Criminal Phenomenon; Sustainable Development

Corresponding Author: Mahdi Ghorbani Ghelejloo; **Email:** Ma.ghorbani@iau.ac.ir

Received: September 04, 2025; **Accepted:** November 02, 2025; **Published Online:** December 11, 2025

Please cite this article as:

Ghorbani Ghelejloo M. Food Security and Public and Criminal Policy in virtue of Sustainable Development. Health Law Journal. 2025; 3: e19.



امنیت غذایی در پرتو سیاستگذاری عمومی و جنایی با تأکید بر توسعه پایدار

مهدی قربانی قلجلو^۱

۱. گروه حقوق، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: امنیت غذایی وضعیتی است که در آن، آحاد جامعه بشری برای داشتن زندگی پویا و سالم، همیشه به مقدار غذای کافی، سالم و مغذی تأمین‌کننده نیازها و اولویتهای تغذیه‌ای، دسترسی فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشند. این هنجار بین‌المللی و ملی، از حقوق بنیادین بشری نسل‌های اول تا سوم، از جمله حق بر امنیت، حق بر غذا، حق بر غذای کافی، حق بنیادین رهایی از گرسنگی، حق رفاه و تأمین اجتماعی، حق زندگی با استانداردهای مناسب و حق بر توسعه نشأت گرفته است. امنیت غذایی در جامعه بین‌المللی ابتدا یکی از اهداف فرعی توسعه هزاره و در سند توسعه پایدار مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد (سپتامبر ۲۰۱۵ م.) به عنوان یکی از اهداف اصلی و مستقل توسعه پایدار پذیرفته شد. هنجاری که در هنگام شکل‌گیری ماهیت اجتماعی - اقتصادی داشته و به تدریج به ارزشی اجتماعی، اقتصادی، فنی و حقوقی بدل شده است. چالش‌های جهانی، منطقه‌ای و ملی در حوزه فقر، سوءتغذیه و گرسنگی موجب شد، امنیت غذایی به اولویت سیاستگذاری و برنامه‌ریزی‌های کلان ملی و بین‌المللی بدل شود. بر اساس تعریف اسناد بین‌المللی به شرح پژوهش، حق بر توسعه متضمن توسعه در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و رفاه همزمان با توزیع عادلانه منابع و منافع ناشی از توسعه در میان مردم است. اینکه مردم صاحبان حق نسل سوم و دولت‌ها صاحب تکلیف ملزم با آن هستند و در مواردی مانند حق بر توسعه، دولت‌ها بدون اینکه رأساً صاحبان حق نسل سوم باشند، برای احقاق حق در سطح بین‌المللی به نمایندگی از ملت خود اقدام می‌کنند؛ با اینکه دولت‌های در حال توسعه رأساً صاحب این حق معرفی شوند، اختلاف نظر است. این پژوهش با هدف ترسیم چندهای دانش میان مسائل سیاستگذاری عمومی و جنایی راجع به امنیت غذایی در بستر حق بر توسعه به عنوان پدیدآورنده نقش جدید و هماهنگ‌کننده فراملی برای تحقق امنیت غذایی پایدار، درصدد پاسخ به این سؤالات است: آیا توسعه پایدار، امنیت غذایی را به عنوان یکی از اهداف تحقق خود برشمرده است؟ سیاستگذاری‌هایی پیرامون امنیت غذایی در سند توسعه پایدار کدام است؟ روش: این پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیلی - توصیفی از طریق گردآوری، مطالعه و تحلیل منابع کتابخانه‌ای، اسناد بین‌المللی و اینترنتی انجام و نگارش شده است.

ملاحظات اخلاقی: صداقت، امانتداری در گزارش متون، استناددهی به منابع و پرهیز از سوگیری انجام شده است.

یافته‌ها: حق بر توسعه به عنوان حقوق بشر نسل سوم، مبنای امنیت غذایی قرار گرفته است. امنیت غذایی نیز یکی از شاخص‌ها و اهداف توسعه پایدار است. به بیان دیگر، امنیت غذایی در بستر توسعه پایدار محقق می‌شود و خود، عامل ایجاد توسعه پایدار است. هدف دوم از مجموعه اهداف هفده‌گانه توسعه پایدار به صراحت تضمین امنیت غذایی، تغذیه و کشاورزی پایدار را از اهداف و برنامه‌های تحقق توسعه پایدار تا سال ۲۰۳۰ برشمرده است. همچنین در اجلاس ملل متحد برای توسعه پایدار بر موضوع امنیت غذایی تأکید شد. یافته‌های پژوهش حاکی از شناسایی هنجار امنیت غذایی توسط سیاستگذار ایرانی در چهارچوب اسناد بین‌المللی همراه با واکاوی جلوه‌های سیاستگذاری‌های عمومی متنوع در ابعاد توسعه‌ای، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فنی امنیت غذایی در اسناد بین‌المللی است. از سوی دیگر، بخشی از رفتارهای فاصله‌گیر از هنجار امنیت غذایی به عنوان پدیده جنایی، همگام با ارزش امنیت غذایی، رشد کرده و به تدریج، اشکال پیچیده‌تری یافته است. انحراف‌ها و انواع بزه‌های صنفی، انضباطی، مدنی و کیفری بی‌شماری که امنیت غذایی و ارکان اصلی (موجودبودن، دسترسی، قابلیت استفاده و پایداری) و مؤلفه‌های فرعی آن را تهدید می‌کند، جلوه‌های پدیده جنایی ناقض امنیت غذایی و موضوع بررسی دانش سیاست جنایی است. نتیجه‌گیری: امنیت غذایی در آینده جامعه بین‌المللی، همچنان با سیاستگذاری و هدف‌گذاری همه‌جانبه در ابعاد مختلف امنیت غذایی آمیخته است. گویی تحقق امنیت غذایی پایدار جز با توسعه پایدار و به تعبیر بومی رشد و پیشرفت متوازن در ابعاد فنی، علمی، اقتصادی و زیست‌محیطی با شرایط با ثبات و مسئولانه حاکمیتی میسر نخواهد بود. امری که می‌تواند به رغم اختلاف در هدف‌گذاری‌های داخلی با هدف‌گذاری‌های بین‌المللی به عنوان بستر توجه، تأمین و ارتقای امنیت غذایی (با تمرکز و تأکید بر اختلاف در موضوع هدف‌گذاری توسعه و پیشرفت، همچنان آموزه‌ای برای سیاستگذاری‌های ملی باشد.

واژگان کلیدی: امنیت غذایی؛ سیاست جنایی؛ سیاستگذاری عمومی؛ پدیده جنایی؛ توسعه پایدار

نویسنده مسئول: مهدی قربانی قلجلو؛ پست الکترونیک: Ma.ghorbani@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۲۰

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Ghorbani Ghelejlou M. Food Security and Public and Criminal Policy in virtue of Sustainable Development. Health Law Journal. 2025; 3: e19.

مقدمه

تبیین موضوع پژوهش به عنوان مبحث میان‌رشته‌ای، نیازمند چند مقدمه است که در ادامه به صورت خلاصه توصیف می‌شود: نخست، امنیت غذایی علاوه بر مبانی نسل اولی و دومی حقوق بشر، مبانی نسل سوم حقوق بشری نیز دارد که حق بر توسعه در شمار آن است، اینکه حق بر توسعه چیست و چه ابعادی دارد و متولی برآوردن این حق دولت است یا جامعه و چرا در نسل سوم حقوق بشر طبقه‌بندی شده است، نیازمند تبیین است؛ دوم، امنیت غذایی به عنوان یک ارزش بین‌المللی و ملی هنجارنگاری شده و خود به عنوان یکی از اهداف توسعه پایدار نقش‌آفرینی می‌کند؛ سوم، در راستای نیل به هدف امنیت غذایی برای تحقق توسعه پایدار، نیاز به مجموعه‌ای از سیاستگذاری و راهکارگذاری است که سند توسعه پایدار درصدد تبیین آن و طراحی برنامه‌های عملی اقدام است؛ چهارم، پدیده جنایی تهدیدگر امنیت غذایی، با مجموعه‌ای از بزه‌ها درصدد نقض ارکان امنیت غذایی است و سیاست‌های مذکور بستر ایجاد راهکارها و پاسخ‌های غیر حقوقی و غیر کیفری را برای صیانت از امنیت غذایی را فراهم می‌کند. این سیاست‌ها مجموعه‌ای از اقدامات فراملی و هماهنگی‌ها را در سطح بین‌المللی و فراملی نوید می‌دهد که در مجموع موضوع بررسی دانش نوینی به نام سیاست جنایی است. در ادامه هر یک از مقدمات به فراخور تبیین و سپس امنیت غذایی در پرتو سیاستگذاری عمومی و غذایی و در نهایت امنیت غذایی در بستر سیاستگذاری بین‌المللی در پرتو توسعه پایدار توصیف و تحلیل می‌شود.

۱. مبانی حقوق بشر نسل سوم امنیت غذایی:

نخستین بار مفهوم حق نسل سوم توسط اندیشمندی به نام کارل واساک (Karel Vasak) در ارتباط و هم‌راستا با سایر نسل‌های حق مطرح شد. وی که تحلیل خود را بر شعار اصلی انقلاب فرانسه (۱۷۸۹ م.) آزادی، برابری و برادری بنا کرده بود، حق‌های نسل اول و دوم را فردی و حق‌های نسل سوم را گروهی و جمعی می‌دانست که در پاسخ به تعامل‌ها و وابستگی‌های متقابل جهانی شکل گرفته‌اند (۱). به بیان دیگر،

در برابر حق‌های نسل اول و دوم که بر مصالح و منافع فردی تکیه دارند، حق‌های نسل سوم بر مصالح جمعی اصرار می‌ورزند (۲).

مؤلفه‌های اصلی حقوق بشر نسل سوم، برابری و تساوی آحاد بشر، یعنی مشارکت همه ارکان جامعه مدنی است که منجر به افزایش سطح رفاه عمومی می‌شود. در واقع در نسل سوم حقوق بشر، عناوین مسئولیت تا حدود زیادی تغییر کرده‌اند. مسئول اولیه در دو نسل اول و دوم در حمایت و تضمین حقوق بشر، دولت است، اما در نسل سوم، هرچند مسئولیت اولیه و اساسی با دولت، اما شاخص مشارکتی انواع حقوق بشر نسل سوم، این مسئولیت را عملاً کمرنگ کرده است (۲)، هرچند برخی معتقدند نسل اول حقوق بشر نوعاً بر عدم مداخله دولت و دیگر افراد تأکید دارد و حقوق بشری نسل دوم، مستلزم مداخله و حمایت دولت‌ها است (۳).

با توجه به طرح نظریه‌های مختلف در خصوص حقوق نسل سوم بشر، دست‌یافتن به معنا و مراد واحد از مفهوم حق نسل سوم دشوار است، اما از جهت شناسایی این حقوق در اسناد بین‌المللی، از جمله اعلامیه حقوق اقلیت‌ها (۱۹۹۲ م.) و منشور آفریقایی حقوق مردم (۱۹۸۱ م.) و پیوند آن با حق توسعه از منظر برخی نویسندگان و طرح مبانی توسعه برای حقوق نسل سوم (۱) حائز اهمیت و به عنوان یکی از مبانی حقوقی امنیت غذایی قابل بررسی است (۴)، ضمناً سازمان یونسکو در سال ۱۹۷۸، حقوقی مانند حق بر توسعه، حق بر محیط زیست سالم، حق بر میراث مشترک، حق بر ارتباطات و حق بر صلح را از جمله مصادیق این نسل حقوق بشر معرفی کرد (۱).

با توجه به پیوستگی مفهوم امنیت غذایی با مفهوم توسعه، حق بر توسعه به عنوان نخستین مبانی حقوق بشری نسل سوم امنیت غذایی در بند نخست و توسعه پایدار به عنوان مبانی دیگر امنیت غذایی در بند دوم و مفهوم امنیت غذایی در پیوند با این دو در بند سوم، تبیین و واکاوی می‌شود.

۱-۱. حق بر توسعه (The Right to Development):

ابراز عقیده بر وجود حق بر توسعه را نخستین بار به وزیر امور

خارج سنغال در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۶ و سپس کبا ام. بای (Keba Mbaye) رییس دیوان عالی سنغال و معاون مؤسسه بین‌المللی حقوق بشر و عضو کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و برخی دیگر نسبت داده‌اند (۵).

حق بر توسعه برای نخستین بار در ۴ دسامبر سال ۱۹۸۶ در قالب قطعنامه شماره ۴۱/۱۲۸ موسوم به اعلامیه حق بر توسعه (Declaration on the Right to Development) (۱۹۸۶) در مجمع عمومی ملل متحد به رسمیت شناخته شد. این امر از یکسو مربوط به شکست سیاست‌های توسعه‌ای در سطوح ملی و بین‌المللی بود و از سوی دیگر ماحصل رشد پدیده فقر در جوامع انسانی و تمرکز ثروت و قدرت در عده اندکی بود. در این اعلامیه ضمن تعریف توسعه به عنوان یک فرآیند جامع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، هدف توسعه را بهبود کامل رفاه کل مردم ابراز نمود، ضمناً تأکید کرد هدف فعالیت اقتصادی تنها رشد و بهبود نیست و دستیابی به اهداف اجتماعی و انسانی از طریق افزایش رفاه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی افراد، گروه‌ها و ملت‌ها نیز هست. مشخص شدن این اهداف توسط ملت‌ها و توزیع برابر منافع آن از دیگر نقاط اتکای اعلامیه است. بنابراین هدف توسعه تنها شایستگی‌های مالی و بهبود شاخص‌های اساسی اقتصاد کلان مانند تولید ناخالص ملی، تراز تجاری و... نیست، بلکه هدف آن مشارکت فعال مردم برای ایجاد یک نظام دموکراتیک کنترل شده با هدف برقراری عدالت اجتماعی، برابری، رفاه و احترام به کرامت اساسی کلیه افراد، گروه‌ها و ملت‌ها است (۵)، ضمناً در سند بین‌المللی مذکور تعدادی از اصول حقوق بشری، مانند عدم تبعیض، برابری، انصاف، عدالت اجتماعی، خودکفایی و همبستگی، از جمله مبانی حق بر توسعه نیز برشمرده شده و تحقق حق تعیین سرنوشت را در ابعاد مختلف در قالب شناسایی حق توسعه می‌داند.

از سوی دیگر، برخی هدف از توسعه را بهبود زندگی بشر، از جمله تغذیه سالم، آگاهی و دستیابی به اطلاعات، مشارکت در زندگی اجتماعی ذکر کرده‌اند. توسعه در این دیدگاه به معنای

از میان برداشتن موانعی، از جمله بی‌سوادی، بیماری، عدم دسترسی به منابع و فقدان آزادی‌های مدنی و سیاسی است (۶). حق توسعه در منشور آفریقایی حقوق بشر (۱۹۸۱ م.) نیز مورد قبول قرار گرفته و متضمن توسعه در کلیه زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و رفاه همزمان با توزیع عادلانه منابع و منافع ناشی از توسعه در میان مردم است. اعلامیه ریو (اصل ۲۷) و اعلامیه حقوق بومیان (ماده ۲۳) نیز چنین حقی را شناسایی کرده و پذیرفته است (۷-۸). از جمله مهم‌ترین جنبه‌های حق توسعه، حق مردم برای انتخاب آزادانه نظام اقتصادی - اجتماعی خود برای توسعه بدون هرگونه مداخله و به صورت آزاد ذکر شده است (۵).

بر اساس ماده یک اعلامیه مذکور «حق بر توسعه حقی غیر قابل سلب است که به موجب آن هر فرد و جمعی حق مشارکت و مساعدت بر توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی‌ای را دارد که در آن همه حقوق بشر و همه آزادی‌های اساسی به شکل کامل قابل تحقق باشند و هر فرد و جمعی حق بر منتفع شدن از این توسعه را دارد».

هرچند برخی بر این باور هستند که مردم صاحبان حق نسل سوم و دولت‌ها صاحب تکلیف ملازم با آن هستند، با این حال در مواردی مانند حق بر توسعه، دولت‌ها بدون اینکه رأساً صاحبان حق نسل سوم باشند، برای احقاق حق در سطح بین‌المللی به نمایندگی از ملت خود اقدام می‌کنند (۸). در مقابل عده‌ای (Badjavi Theory) نیز دولت‌های در حال توسعه را رأساً صاحب این حق معرفی می‌کنند (۹). در هر حال ماده (۱) ۳ اعلامیه حق بر توسعه (۱۹۸۶ م.) دولت‌ها را در این خصوص صاحب تکلیف قلمداد کرده و دولت‌ها حق دارند برای توسعه خود از جامعه بین‌المللی تقاضای همکاری کنند. بند ۳ ماده ۲ اعلامیه یادشده، دولت‌ها را به تدوین سیاست‌های توسعه ملی مناسب مکلف کرده که هدف از آن بهبود مستمر رفاه کل مردم و همه افراد بر اساس مشارکت فعال، آزاد و هدفمند آن‌ها در توسعه و توزیع عادلانه منافع حاصله می‌باشد. ماده ۸ اعلامیه بر اتخاذ تدابیر لازم توسط حکومت‌ها در سطح ملی برای تحقق توسعه و تضمین برابری

فرصت دسترسی به منابع پایه، آموزش، خدمات بهداشتی، غذا، مسکن، کار و توزیع درآمد برای همگان اشاره کرده است. در مواد ۶، ۹ و ۱۰ اعلامیه نیز بر این مطلب که اجرای حق بر توسعه مستلزم اعمال انواع حقوق سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و این حقوق غیر قابل تجزیه و وابسته به یکدیگرند، تصریح شده است.

در برداشت جدید از حق بر توسعه، توسعه امنیت، مشارکت در زندگی سیاسی، اجتماعی، محیط زیست و عدالت گنجانده شده و توسعه با حقوق بشر و دموکراسی پیوند خورده است (۱۰)، ضمن اینکه امروزه توسعه جز در چهارچوب ضرورت کاهش فقر و واقعیت جهانی شدن قابل درک نیست و روند توسعه به توجه جدی تر به حقوق بشر نیاز دارد (۶).

۱-۲. توسعه پایدار (Sustainable Development):

توسعه پایدار، از جمله مفاهیمی است که از ابعاد مختلفی به آن نگریسته شده و تعریف آن نیز با دیدگاه‌های مختلف شکل گرفته است. تا حدود چهار دهه پیش، معیار سنجش توسعه تنها اقتصاد بود. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی توسعه اقتصادی برابر رشد مادی اقتصادی بود و تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه، شاخص‌های اصلی توسعه‌یافتگی یا عدم توسعه‌یافتگی محسوب می‌شدند. از دیدگاه لیبرالیسم سنتی، کشورهای صنعتی غرب با درآمد سرانه بالا به توسعه موفقیت‌آمیزی دست یافتند، چنانچه کشورهای کمتر توسعه‌یافته، همان روش کشورهای توسعه یافته را به کار بندند، می‌توانند به رفاه و توسعه مشابهی دست پیدا کنند (۱۱).

این تلقی از توسعه در عمل با بن‌بست مواجه شد. برخلاف وعده‌های نخستین در مورد کاهش تدریجی نابرابری اولیه توزیع درآمدها، بنابر نظریه اقتصادی منتهی به اثر رخنه به پایین (Trickle Down Effect) توزیع درآمدها نه تنها عادلانه‌تر نشد، بلکه شکل ناعادلانه‌تری گرفت. یافته‌های آلبرت فیشلو (Albert Fishlow) که بر اساس سرشماری سال ۱۹۷۰ به دست آمده بود، نشان می‌داد که با وجود رشد قابل ملاحظه کشور برزیل، توزیع درآمد در آن کشور نابرابرتر و

موقعیت برخی گروه‌های کم‌درآمد به نسبت گذشته بدتر شده بود (۱۲).

این مسأله در اواخر دهه ۱۹۶۰ هویدا شد که رشد اقتصادی به تنهایی الزاماً شرایط زندگی میلیون‌ها نفر مردم جهان سوم را بهبود نمی‌بخشد. رییس‌جمهور برزیل در اشاره به چنین موردی اظهار داشت، برزیل در حال پیشرفت است، هرچند برزیلی‌ها پیشرفت چندانی ندارند! (۱۳)، در نتیجه برخی از صاحب‌نظران توسعه، این دیدگاه لیبرالیسم سنتی را که رشد اقتصادی به طور طبیعی فقر را کاهش می‌دهد، رد می‌کنند. ایشان بر این باور هستند که بایستی تلاش‌های آگاهانه‌ای در ممالک جهان سوم در راستای توزیع مجدد و عادلانه ثروت و درآمد برای قشر فقیرتر جامعه صورت پذیرد و نیازهای اساسی بشر همچون بهداشت، آموزش، غذا، آب سالم و خدمات تنظیم خانواده برآورده شود تا اهداف رشد اقتصادی محقق گردد. در این باور، علاوه بر در نظر گرفتن تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه به عنوان عوامل مهم توسعه اقتصادی، به عوامل توسعه انسانی مانند امکانات زندگی و محیط زیست سالم نیز توجه می‌شود. رهیافت توسعه انسانی استدلال می‌کند که شاخص اندازه‌گیری توسعه، صرفاً ابزار و وسایل فیزیکی همچون ماشین، ساختمان و... نیست، بلکه نقش نیروی انسانی در این سنجش بسیار مهم است (۱۱).

بدین ترتیب به تدریج مفهوم توسعه پایدار شکل گرفت. بروز معضلات مختلف در روند توسعه ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن را در کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه، تحت‌الشعاع قرار داد و موجب شد صاحب‌نظران از جنبه‌های مختلف با تشخیص لزوم تحول در مفهوم توسعه به تبیین توسعه پایدار بپردازند، لذا تعاریف بسیاری از جنبه‌های متفاوت به توسعه پایدار پرداخته است. در میان این طیف وسیع، تعاریفی بیشتر توفیق یافت که از یکسو بر رابطه بین مؤلفه‌های توسعه اجتماعی و فرهنگی و فرصت‌های اقتصادی و از سوی دیگر بر ضرورت‌های زیست‌محیطی تأکید می‌کند (۱۴).

کمیسیون محیط زیست و توسعه (WCED: World Commission on Environment and Development) در

گزارش سال ۱۹۸۷ معروف به گزارش برانت لند (Brant Land) از توسعه پایدار تعریفی ارائه کرد که یکی از رایج‌ترین تعاریف این مفهوم می‌باشد: «توسعه پایدار عبارت است از توسعه‌ای که نیازهای کنونی جهان و نسل حاضر را تأمین می‌کند، بدون آنکه توانایی نسل‌های آتی را در برآوردن نیازهای خود، به خطر بیندازد و به گونه‌ای که نسل کنونی نیز به مخاطره نیفتد» (۱۵).

به بیان دیگر، مفهوم جدید «توسعه پایدار» کلی‌گرا است و همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سایر نیازهای بشری را دربر می‌گیرد. به یک اعتبار، مهم‌ترین جاذبه توسعه پایدار در جامع‌نگری آن است (۱۶). با این توصیف در معرفی توسعه پایدار نمی‌توان وجهی را به زیان وجه دیگر انتخاب کرد (۱۵). در سند موسوم به «مراقبت زمین، راهبردی برای زندگی پایدار (Caring for the Earth)» قید پایداری برای توسعه به عنوان یک ویژگی یا حالت تعریف شده که برای مدت نامحدودی قابل حفظ باشد، در حالی که توسعه به افزایش ظرفیت برآوردن نیازهای انسان و بهبود کیفی زندگی وی گفته شده است (۱۷). در واقع پایداری (Sustainability) تصویری است از یک موازنه پویا میان عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی مورد نیاز بشر و لزوم حفاظت از محیط زیست طبیعی که بشریت بخشی از آن است (۱۵). از این رو، توسعه پایدار واسطه‌ای میان اصول اخلاقی انصاف میان نسلی، انصاف میان گروهی و انصاف میان گونه‌ای است (۱۸). پایداری در عمل، معادله‌ای است بین ضرورت‌های زیست‌محیطی و لوازم توسعه که از دو طریق می‌توان آن را حاصل کرد، «با کاستن از فشارها» و یا «با افزودن بر ظرفیت‌های موجود» و البته در رویارویی با بحران‌ها باید به هر دوی این راهکارها توجه نمود، گرچه اولی بیشتر از منظر زیست‌محیطی و دومی از دیدگاه اقتصادی رقم خورده‌اند (۱۴).

حدود سه دهه بعد از آنچه به عنوان مفهوم و تعریف توسعه پایدار در سند کمیسیون جهانی محیط زیست در سال ۱۹۸۷ ارائه شد (۱۹)، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در بند سیزده سند موسوم به «تغییر دنیای ما: برنامه توسعه پایدار

سال ۲۰۳۰» از مجموعه اهداف هفده‌گانه توسعه پایدار (SDGs: Sustainable Development Goals) برای دوره پانزده ساله ۲۰۱۶ تا ۲۰۳۰، مصوب هفادمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد سپتامبر ۲۰۱۵ که پس از اتمام دوره زمانی پیش‌بینی شده برای اهداف هشت‌گانه توسعه هزاره (MDGs: Millenium Development Goals) مصوب سال ۲۰۰۰ تدوین و تصویب شد (۲۰)، درک از توسعه پایدار را وابستگی و ارتباط حذف فقر در تمامی اشکال و ابعاد آن، مبارزه با نابرابری در داخل و میان کشورها، حفظ و حراست از زمین، ایجاد رشد پایدار، فراگیر و مستمر اقتصادی و بهبود ادغام اجتماعی بیان کرد. به بیان دیگر توسعه پایدار نقطه اتصال سه حوزه حقوق بشر، محیط زیست و اقتصاد است و ابعاد اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی آن بارز است و دوره‌های تحول مختلفی را در اسناد بین‌المللی و نشست‌های جهانی و منطقه‌ای متعدد و در ابعاد سه‌گانه یادشده از سر گذرانده که مجال تبیین آن در این مقاله نیست (۱۴).

۳-۱. امنیت غذایی: قدر مسلم آنکه امنیت غذایی یکی از اجزای توسعه پایدار است. امنیت غذایی در بستر توسعه پایدار محقق می‌شود و خود، عامل ایجاد توسعه پایدار است. هدف دوم از مجموعه اهداف هفده‌گانه توسعه پایدار به صراحت تضمین امنیت غذایی، تغذیه و کشاورزی پایدار را از اهداف و برنامه‌های تحقق توسعه پایدار تا سال ۲۰۳۰ برشمرده است. همچنین در اجلاس ریو به علاوه بیست در سال ۲۰۱۲ با عنوان کنفرانس ملل متحد برای توسعه پایدار (۲۱) (The United Nations Conference on Sustainable Development, Rio de Janiro, Brazil, June 2012) بر موضوع امنیت غذایی تأکید شده است. بخشی از سند این اجلاس (بند ۸) با عنوان «آینده‌ای که ما می‌خواهیم»، به حق توسعه، حق بر زندگی با استانداردهای مناسب بر حق بر غذا و امنیت غذایی اشاره کرده است (۲۰). همچنین بخشی از همین سند، با سرفصل امنیت غذایی و تغذیه و کشاورزی پایدار (بند ۱۰۸ تا ۱۱۸) و در ادامه در بخش دیگری با عنوان آب و سلامت (بند ۱۱۹ تا ۱۲۴) به مسائل و سیاست‌های این حوزه پرداخته است (۲۱).

در بخش امنیت غذایی و تغذیه سند اجلاس مذکور، بر تعهدات دولت‌ها به در نظر گرفتن حق آحاد مردم بر دسترسی به غذای ایمن، کافی و مغذی سازگار و متناسب با حق بهره‌مندی از غذای کافی و حق بنیادین رهایی از گرسنگی، بار دیگر تأکید شد (۲۱).

بدین ترتیب امنیت غذایی، بیشتر از مبانی و منابع حقوق بشری نشأت گرفته است، هرچند می‌توان حقوق داخلی متناظر با حقوق بشری را نیز به عنوان مبنای داخلی و ملی امنیت غذایی برشمرد. تبیین مبانی و منابع یادشده در هر حال باعث می‌شود پذیرش امنیت غذایی به عنوان هنجار و هنجارانگاری آن در جوامع مختلف و سیاستگذاری عمومی به عنوان بستر سیاستگذاری جنایی با تکیه بر مبانی و منابع مذکور با قدرت و استحکام ویژه‌ای صورت پذیرد.

۲. از سیاستگذاری جنایی و عمومی برای امنیت غذایی تا سیاستگذاری غذایی: امنیت غذایی پیش از آنکه موضوع سیاست جنایی یا حتی سیاستگذاری عمومی و اجتماعی قرارگیرد، بر پایه مبانی علمی - فنی و حقوقی بین‌المللی و داخلی، ابتدا به عنوان ارزش اجتماعی - حقوقی شناسایی شده و شکل گرفته و نیازمند هنجارانگاری است.

سیاستگذاری جنایی، تابع و جزئی از سیاستگذاری عمومی هر کشور یا جامعه بین‌المللی در حوزه مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. در واقع سیاست جنایی در معنای امروزی و مفهوم موسع خود به یکی از قلمروهای سیاسی - اجتماعی بدل شده است (۲۲). بنابراین پی‌بردن به چهارچوب و محتوای سیاست جنایی در هر حوزه‌ای، بدون اطلاع و مرور محدوده، جلوه‌ها و مظاهر سیاست‌های عمومی و کلی - در بحث ما امنیت غذایی - ممکن نیست، ضمن اینکه مفهوم موسع سیاست جنایی به رغم اینکه هسته اصلی آن حوزه حقوق کیفری است، اما به دلیل ویژگی‌های نهفته در آن، از جمله کل‌نگری و میان‌رشته‌ای‌بودن، آن را به حوزه سایر گرایش‌های حقوقی، از جمله حقوق اداری، مدنی و... و حتی دانش‌های غیر حقوقی در حوزه سیاست، اقتصاد، اجتماع و... نیز پیوند می‌زند و لاجرم از طریق مجموعه روش‌ها، پاسخ‌های

کنشی و واکنشی هیأت اجتماع و نه‌تنها دولت را در برابر پدیده مجرمانه سازمان‌دهی می‌کند (۲۳). به همین دلیل بررسی سیاست جنایی به معنای موسع، امری دارای جوانب متعدد و همیشه متغیر است که لزوماً تصویر یکسان و منسجمی از سیاست جنایی را ارائه نمی‌کند (۲۴).

توضیح اینکه چاره‌جویی برای مسائل و پدیده‌های اجتماعی - سیاسی امروزه در بستر دانشی به نام سیاستگذاری عمومی صورت می‌گیرد. سیاستگذاری عمومی فراتر از یک علم، هنر و مهارتی برای چاره‌جویی و ارائه راه حل برای مسائل بشمار می‌رود (۲۵). در یک تعریف خلاصه، سیاستگذاری عمومی «وجود یک فرآیند یا مجموعه فعالیت‌ها و تصمیم‌های دولتی که با هدف حل یک مسأله عمومی طراحی شده» نامیده شده است (۲۶).

این رشته جدید که عده‌ای آن را زیرمجموعه علوم سیاسی و عده‌ای نیز آن را علمی مستقل می‌دانند (۲۶)، یافته‌ها و تحلیل رشته‌های عمده علوم اجتماعی مانند اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و فلسفه را در قالب رهیافتی چندرشته‌ای، برای تدوین و اجرای بهترین تصمیمات، با کمترین هزینه به کار می‌برد. پیدایی این رشته در بستر دموکراسی و جامعه مدنی، در کشورهای توسعه‌یافته و اختصاص‌یافتن رشته‌ها، مجلات علمی و بودجه‌های فراوان پژوهشی به این عرصه، دولت مدرن را از دیگر دولت‌ها متفاوت‌تر و مقتدرتر کرده است (۲۷).

سیاستگذاری عمومی در پنج مرحله، «تبیین و شناخت مسأله»، «راه حل»، «تصمیم‌گیری»، «اجرا»، «بازخورد»، «ارزیابی» صورت می‌گیرد. برخی نویسندگان، فرآیند آن را پنج مرحله‌ای و برخی دیگر نه مرحله‌ای ذکر کرده‌اند (۲۹-۲۸).

کریستین لازرژ (Christine Lazerges) استاد سیاست جنایی فرانسوی، در تعبیری سیاستگذاری عمومی را با سیاستگذاری جنایی چنین پیوند زده است: «سیاست جنایی در چهارچوب یک استراتژی (راهبرد) کلی که چیزی جزء سیاست اجتماعی یک دولت معین یا جامعه‌ای از دولت نیست،

قرار می‌گیرد. ... هر رویکرد سیاست جنایی مستلزم قرائت (خوانش) آموزه‌ها در زمینه کیفری نیز هست، زیرا راه حل‌های پیشنهادی به منظور خنثی کردن و حل و فصل (مسائل ناشی از) پدیده مجرمانه، در معنای وسیع کلمه سیاسی است» (۳۰). هرچند با تعریف فوق از سیاستگذاری عمومی، بعد دولتی راه حل‌ها غالب است، در حالی که سیاست جنایی تنها بعد دولتی ندارد و راهکارهای جامعه‌ای اتخاذ شده در پاسخ به پدیده مجرمانه اعم از پاسخ‌ها و راهکارهای دولتی است، ضمن اینکه به نظر می‌رسد محل تمرکز سیاست جنایی پدیده جنایی و نقطه تمرکز سیاستگذاری عمومی پدیده‌های اجتماعی است.

آنچه در این فصل مقاله مورد توجه و بررسی قرار گرفته است، به طور کلی محدوده و جلوه‌های هنجارگذاری سیاستگذاری عمومی و بالاخص شاخه‌ای از آن است که سیاستگذاری غذایی یا تغذیه‌ای (Food Policy, Nutrition Policy) نامیده می‌شود. حوزه‌ای که به چگونگی تولید، فرآوری، توزیع و خرید غذا اختصاص دارد. چنین سیاست‌هایی فنون فرآوری، بازاریابی، موجودبودن، استفاده و مصرف غذا به نفع کامل شدن یا مضاعف شدن اهداف اجتماعی را شامل می‌شود.

سیاستگذاران غذایی معمولاً مشغول فعالیت‌هایی مانند تنظیم صنایع مرتبط با غذا، استانداردهای مناسب برای برنامه‌های معاضدت غذایی برای افراد فقیر، تضمین ایمنی در تأمین غذا، برچسب‌زدن غذاها و حتی ارزیابی کیفی تولید محصولات غذایی ارگانیک هستند (۳۱). در کشورهای در حال توسعه، سه هدف اصلی برای سیاست غذایی وجود دارد: نخست، حمایت فقرا در بحران‌ها، توسعه بازارهای بلندمدت که موجب افزایش استفاده از منابع کارآمد شود و افزایش تولید غذایی که به نوبه خود افزایش در درآمد را ترویج می‌دهد (۳۲)؛ سیاستگذاری عمومی، جنایی و غذایی مربوط به امنیت غذایی، دغدغه و محل تمرکز نگارنده در این پژوهش و سایر پژوهش‌های مرتبط است (۳۷-۳۳)، تنظیم و ایجاد تعادل میان مباحث و موضوعات مختلف مرتبط با این حوزه به ویژه در برخی جوامع به مطالبه عمومی جدی از سیاستگذاران بدل شده است (۳۸)؛ در راستای برخی اسناد بین‌المللی،

سیاستگذاری غذایی فراملی امروزه به سمت و سوی تأمین امنیت غذایی پایدار از طریق حذف اشکال فقر و گرسنگی گرایش و گسترش یافته است. سیاستگذار ملی نیز با تبعیت از این گرایش جهانی، با تدوین اسناد بالادستی کمابیش همین رویکرد را دنبال می‌کند.

۳. امنیت غذایی در بستر هنجارنگاری و سیاستگذاری

عمومی بین‌المللی: به منظور دستیابی به امنیت غذایی در سطح جهانی، هنجارنگاری و سیاستگذاری‌های بین‌المللی در بستر اسناد بین‌المللی و تشکیل نهادهای بین‌المللی امری اجتناب‌ناپذیر است. همچنین جهانی‌شدن امنیت غذایی و شرایط، اوضاع و احوال پیرامونی و مؤثر بر تحقق، نگاه‌داشت و پایدارسازی امنیت غذایی، از جمله شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، کشاورزی و... و دست آخر، تهدیدهای طبیعی و انسانی آن نیز مانع از آن است که سطوح دیگر امنیت غذایی تأثیر و تأثر متقابلی با سطح جهانی امنیت غذایی نداشته و تحقق هر یک از آن‌ها مجزا و منفک از سطوح عمودی بالاتر یا پایین‌تر از آن باشد. به بیان دیگر دستیابی و نگاه‌داشت امنیت غذایی از جزء به کل و از کل به جزء با یکدیگر ارتباط دارد. همانطور که امنیت غذایی در سطح ملی با امنیت غذایی در سطح جهانی ارتباط تنگاتنگ دارد، امنیت غذایی خانواده نیز در گرو امنیت غذایی شهر و کشور است.

بخشی از این سیاستگذاری با الهام از مبانی موضوع اسناد بین‌المللی اعم از مبانی حقوق بشری و فراملی، در بستر و چهارچوب هدف‌گذاری یکسان و هماهنگ بین‌المللی، یعنی مبارزه با فقر، گرسنگی و سوءتغذیه جلوه‌گر شده و بخشی دیگر در بستر تلاش و هدف‌گذاری برای دستیابی به آرمان توسعه و توسعه پایدار صورت گرفته است. در این میان امنیت غذایی به عنوان یکی از اجزای اصلی و کلیدی و اهداف برنامه‌های کلان در محو اشکال فقر و گرسنگی و در نهایت توسعه پایدار، ایفای نقش نموده و خواهد نمود.

از این رو واکاوی و بازشناسی جلوه‌های هنجارنگاری و سیاستگذاری عمومی پیرامون امنیت غذایی در اسناد بین‌المللی، دغدغه اصلی نگارش این مبحث است.

حقوق بشری نسل سوم و جزء موضوعات محوری چند سند بین‌المللی با اهمیت و مرتبط با توسعه انسانی و امنیت غذایی است. در این بند اهداف و برنامه‌های توسعه هزاره از منظر هنجارنگاری و سیاستگذاری امنیت غذایی تبیین و بررسی می‌شود.

سران ۱۸۹ کشور در سپتامبر سال ۲۰۰۰ در مقر سازمان ملل متحد گرد هم آمده و اعلامیه تاریخی هزاره را امضا کردند و متعهد به دستیابی به هشت هدف قابل اندازه‌گیری و زمان‌بندی‌شده تا سال ۲۰۱۵ شدند (۳۹). اهداف موسوم به توسعه هزاره شامل هشت عنوان مشخص با عناوین حذف فقر و گرسنگی، دستیابی به آموزش‌های اولیه جهانی، ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، کاهش مرگ و میر کودکان، بهبود و ارتقای بهداشت مادران، مبارزه با ایدز و ویروس اچ‌آی‌وی، مالاریا و سایر بیماری‌ها، تضمین محیط زیست پایدار و توسعه همکاری جهانی برای توسعه بود.

اهداف یادشده به طور انقلابی درصدد فراهم کردن یک زبان مشترک برای نیل به یک توافق جهانی بود و واقع‌گرایانه، تعاملی، همراه با نظام اندازه‌گیری و رصد شفاف، تنظیم شده بود. پیشرفت پایدار با در نظر گرفتن این اهداف هزاره ایجادشدنی بود. بر اساس ارزیابی‌ها و برآوردهای صورت‌گرفته، در حال حاضر دنیا نخستین هدف توسعه هزاره شامل نصف کردن نرخ فقر شدید را عملی کرده است (۴۰). با وجود این، دستاوردهای این اهداف همچنان نامساعد ارزیابی شده است. اهداف مذکور به نحوی تنظیم و زمان‌بندی شدند تا در سال ۲۰۱۵ خاتمه یابند و معاقباً بحث در خصوص دستور کار پس از آن ادامه یابد. تمرکز بر بنانهادهن جهانی پایدار که پایداری محیط زیست، مشارکت اجتماعی و توسعه اقتصادی به همان اندازه ارزش داشته باشد، غایت مطلوب جامعه بین‌المللی در این سند بود.

حصول امنیت غذایی پایدار با توجه به شرایط جهانی و وضعیت حاد افراد گرسنه و دچار سوءتغذیه ابتدا از دریچه یک هدف مشترک، یعنی حذف فقر و گرسنگی که پیش‌تر در اسناد بین‌المللی عدیده‌ای مورد اجماع جامعه بین‌المللی قرار گرفته بود، با تعبیر پایان دادن به سوءتغذیه و گرسنگی به

این بند از مقاله با عنوان جلوه‌های سیاستگذاری عمومی در بستر اسناد بین‌المللی توسعه‌محور، در راستای امنیت غذایی در بستر سیاستگذاری عمومی (غذایی) بین‌المللی، جلوه‌های سیاستگذاری حوزه امنیت غذایی را در سند توسعه هزاره برای پانزده سال گذشته تا ۲۰۱۵ و سند بین‌المللی توسعه پایدار برای پانزده سال آتی تا ۲۰۳۰ به تصویر می‌کشد.

۳-۱. جلوه‌های هنجارنگاری و سیاستگذاری عمومی در بستر اسناد بین‌المللی توسعه‌محور: پس از اینکه جامعه بین‌الملل، مفهوم امنیت غذایی را در نشست‌ها و محافل تخصصی و عمومی بین‌المللی به عنوان یکی از ارزش‌های کلیدی شناسایی کرد و با سطوح و مقیاس‌های آن آشنایی حاصل نمود و حق بر امنیت غذایی را در پرتو حقوق بشری نسل اول و دوم مانند حق بر حیات و امنیت، حق بر غذای کافی و رهایی از گرسنگی و سایر حقوق یادشده با حقوق بشر نسل سوم بالاخص حق بر توسعه آحاد جامعه بین‌المللی درهم آمیخت، امنیت غذایی در آغاز دومین هزاره میلادی به عنوان یکی از قطعات پازل توسعه در بستر سند بین‌المللی موسوم به توسعه هزاره جای گرفت تا با هدف‌گذاری‌های کلان و شاید بلندپروازانه در قالب هشت هدف کلی، جامعه بین‌المللی را برای نیل به توسعه پایدار هماهنگ و همسو نماید.

این گفتار در دو بند، سیاستگذاری‌های عمومی جامعه بین‌المللی در حوزه امنیت غذایی را از دریچه سند توسعه هزاره در یک و نیم دهه آغازین هزاره دوم در قالب بند اول (امنیت غذایی در اهداف و برنامه‌های توسعه هزاره برای سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ م.) و سپس فرآیند بسترسازی برای قرارگرفتن امنیت غذایی به عنوان یکی از اهداف کلی و مستقل در یک و نیم دهه آتی را در قالب بند دوم (امنیت غذایی در اهداف و برنامه‌های توسعه پایدار آینده‌ای که ما می‌خواهیم، سند کنفرانس توسعه پایدار، ریو به علاوه بیست) و سند توسعه پایدار برای سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ تبیین می‌نماید.

۳-۱-۱. امنیت غذایی در بستر توسعه هزاره (۱۵-۲۰۰۰ م.): همانطور که پیش‌تر گفته شد، مقوله توسعه در شمار

عنوان یکی از اهداف توسعه هزاره و نیل به توسعه پایدار گنجانده و به عنوان سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی و عملیاتی گوناگون توسط نهادها و سازمان‌های بین‌المللی مرتبط برای تحقق آن در حوزه‌های مختلف تولید و توزیع مواد غذایی، کشاورزی، زنجیره ارزش و اقتصاد خانوار اتخاذ و تجویز شد (۴۰).

این سیاست‌ها و برنامه‌ها شامل ویژگی‌هایی، از جمله تشویق به افزایش تولید مواد غذایی توأم با حفاظت از منابع طبیعی و حمایت از توسعه فراگیر روستایی، کاهش ضایعات در فرآیند زنجیره غذایی از تولیدکننده تا مصرف‌کننده، توانمندسازی مردم برای دسترسی ایمن به انواع مواد غذایی مورد نیاز در طول سال برای یک تغذیه خوب از طریق توسعه، پایدارسازی و بهبود عملکرد بازارها و سیستم تأمین و عرضه مواد غذایی، همچنین حصول اطمینان از قابلیت و قدرت دسترسی، خرید و استفاده از مواد غذایی توسط خانواده‌ها و همه اعضای آن با بهره‌گیری از منابع مولد کافی، کار مناسب، حمایت اجتماعی با طراحی مناسب و برنامه‌های کمک غذایی (Food Aid Program) با شبکه‌های ایمنی محافظت از امنیت غذایی و تولیدی بالقوه بسیار آسیب‌پذیر، دانش و درک تغذیه‌ای و مراقبت به ویژه در حوزه نیازهای دوران بارداری و کودکی است (۴۱).

به صورت کمی، هدف‌گذاری کاهش نسبت مردم گرسنه دنیا به نصف تا پایان سال ۲۰۱۵ ذیل اهداف توسعه هزاره (Millennium Development Goal Target) کمابیش حاصل شد. سپس ریشه‌کن کردن گرسنگی با تمام اشکال آن تا سال ۲۰۳۰ به عنوان اهداف جدید توسعه پایدار دوم (SDG2: New Sustainable Development Goal 2) در هفتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد (سپتامبر سال ۲۰۱۵ م) مقرر و تصویب شد. پایان دادن به گرسنگی در راستای نهضت گرسنگی صفر ترویج شده توسط دبیرکل سازمان ملل متحد صورت گرفت که کاملاً با اهداف توسعه اول (The Sustainable Development Goal 1) برای از بین بردن فقر تا سال ۲۰۳۰ مرتبط است. برای دستیابی به

چنین هدفی، جامعه بین‌المللی می‌بایست مبتنی بر رویکردها و گزینه‌هایی که دسترسی مداوم به غذا را برای افرادی که از سوءتغذیه رنج می‌برند و بهبود فرصت‌های معیشتی برای افراد گرسنه و فقیر را اثبات می‌کنند، ساخته شود. بنابراین برآورد سرمایه‌گذاری‌های جدید موردنیاز برای ریشه‌کن کردن گرسنگی خود موضوع و محور بررسی‌های نوین نهادهای بین‌المللی مرتبط است (۴۲).

گزارش بانک جهانی در خصوص پایش اهداف توسعه هزاره، تغذیه و قیمت‌های غذا در سال ۲۰۱۲ نشان داد که به رغم دستیابی به دو هدف نخست توسعه هزاره، یعنی حذف فقر شدید و تأمین آب بهداشتی که با تغذیه و امنیت غذایی ارتباط جدی دارد، هنوز در مورد کاهش مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال و زیر یک سال (هدف چهارم) و مرگ و میر مادران (هدف پنجم) هنوز با اهداف تعیین شده در سند توسعه هزاره فاصله دارد. بر اساس این گزارش، افزایش قیمت بین‌المللی غذا در سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۸ و سپس ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱ موجب شد به ترتیب حدود ۱۰۵ میلیون نفر و ۴۸/۶ میلیون نفر زیر خط فقر قرار گیرند، لذا فقر با افزایش قیمت غذا بالاتر می‌رود و قیمت افزون غذا سبب می‌شود مردم سهم بیشتری از درآمد خانوار را برای آن هزینه کنند. همچنین آثار افزایش قیمت غذا در کشورهای مختلف واردکننده یا تولیدکننده غذا بررسی شده است. آثار پنهان مانند رهاکردن مدرسه توسط کودکان به دلیل عدم دسترسی به تغذیه و هزینه‌های بالا و غیر قابل کنترل مدرسه نیز در این گزارش اشاره شده است.

با توجه به پایان دوره زمانی اهداف توسعه هزاره و ورود به دوره زمانی اهداف جدید توسعه پایدار به همین مقدار توضیح و تبیین بسنده شده و زمینه ایجاد اهداف جدید برای دوره زمانی پس از ۲۰۱۵ تشریح می‌شود.

۳-۱-۲. امنیت غذایی در «آینده‌ای که ما می‌خواهیم»: اهداف توسعه هزاره در دنیا به شرحی که ارائه شد، منتهی به پیشرفت‌هایی گردید، اما با توجه به مسائل هدف‌گذاری شده و افت و خیز در تحقق نسبی اهداف، بدیهی است که هنوز راه طولانی برای طی کردن باقی است. در ژوئن سال ۲۰۱۲ طی

برگزاری اجلاس ریو به علاوه بیست ملل متحد در خصوص توسعه پایدار، تصمیم برای دستیابی به اهداف توسعه هزاره اتخاذ شد. مجموعه جدیدی از اهداف که بر اقتصاد، محیط زیست و زمینه‌های اجتماعی توسعه هزاره، تمرکز و با در نظر گرفتن ایده ثبات و پایداری، اهداف توسعه پایدار حفظ و پایداری جهان و ظرفیت آن را ترویج می‌کرد (۴۳). از این رو ایده برنامه موسوم به اهداف توسعه پایدار، در کنفرانس توسعه پایدار ریو به علاوه بیست در سال ۲۰۱۲ متولد شد. کنفرانس یادشده به دنبال تولید مجموعه اهداف جهانی قابل اجرا بود که سه بعد توسعه پایدار، یعنی محیط زیست، اقتصاد و جامعه را متوازن کند (۴۴). برون داد کنفرانس ملل متحد برای توسعه پایدار که از ۲۰ تا ۲۲ ژوئن سال ۲۰۱۲ در ریودوژانیرو برزیل برگزار شد، تصویب سندی موسوم به «آینده‌ای که ما می‌خواهیم» (UN Resolution of United Nations Conference on Sustainable Development, June 2012) بود که در آن ضمن تجدید عهد کشورهای حاضر با تعهد به توسعه پایدار و تضمین ترویج آینده‌ای پایدار به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی برای زمین و برای نسل‌های حال و آینده (بند یک)، به پایبندی برای رهایی بشریت از فقر و گرسنگی به عنوان موضوعی فوری اشاره (بند دو) و با محور قرار دادن مردم به عنوان مرکز و هسته اصلی توسعه پایدار، بر کوشش خود برای دنیایی عادلانه و منصفانه توأم با رشد اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت زیست‌محیطی برای بهره‌بردن همگان تأکید می‌کرد (بند ششم).

دموکراسی، حکمرانی خوب، حاکمیت قانون در سطح ملی و بین‌المللی در کنار سایر شاخص‌ها مانند رشد اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت از محیط زیست و از بین بردن فقر و گرسنگی برای توسعه پایدار ضروری دانسته شد. دستیابی به اهداف توسعه پایدار همچنین نیازمند سازوکارها و سازمان‌هایی کارآمد، شفاف، پاسخگو و دموکراتیک در تمام سطوح قلمداد شد (بند دهم).

با توجه به تمرکز این مقاله در موضوع امنیت غذایی و توسعه پایدار، شایان ذکر است قسمت‌های مختلفی از سند مذکور به

مناسبت‌های مختلف به مقوله غذا اشاره کرده است. در بند هشتم این سند، با تأکید مجدد بر اهمیت آزادی، صلح و امنیت، احترام به همه حقوق بشر شامل حق بر توسعه و حق بهره‌مندی از استانداردهای مناسب زندگی شامل حق بر غذا و سایر حقوق به عنوان کلیه تعهدات به عدالت، جوامع دموکراتیک برای توسعه تصریح شد. بنابراین حق بر غذا ذیل حق بهره‌مندی از استانداردهای مناسب برای زندگی و حق توسعه و حقوق اخیرالذکر، از جمله حقوق بشر طبقه‌بندی و تفکیک گردید. همچنین تصویب‌کنندگان این سند توجه داشتند که بحران غذا در کنار بحران‌های انرژی، اقتصادی و مالی، توانایی کشورها به ویژه کشورهای توسعه‌یافته را تحلیل برده و سه بعد توسعه پایدار را تحت تأثیر قرار داده است، اما تأثیر بحران‌های مذکور بدون انکار بر تمامی کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه نباید مانع تداوم راه و برگشت از تعهدات مشترک دولت‌ها شود (بند بیستم). از طرفی مشارکت و سهم مهم کشاورزان به ویژه کشاورزی‌ها در مقیاس کوچک به همراه ماهیگیران، چوپان‌ها، گلهداران و جنگل‌داران در تحقق توسعه پایدار از طریق فعالیت‌های تولیدی سازگار با طبیعت، در ارتقای امنیت غذایی و معیشت افراد فقیر و رشد اقتصادی نادیده انگاشته نشد (بند ۵۲).

همچنین بخش دیگری از این سند اختصاصاً به «امنیت غذایی و تغذیه و کشاورزی پایدار» در یازده بند متمادی (بند ۱۰۸ تا ۱۱۸) و و بند ۱۱۹ تا ۱۲۴ به مسائل و سیاست‌های مقوله آب و سلامت پرداخت.

در بخش امنیت غذایی و تغذیه، تعهدات دولت‌ها به در نظر گرفتن حق آحاد مردم بر دسترسی به غذای ایمن، کافی و مغذی سازگار و متناسب با حق بهره‌مندی از غذای کافی و حق بنیادین رهایی از گرسنگی، بار دیگر تأکید و با اذعان به جهانی‌بودن چالش امنیت غذایی و تغذیه، تعهد دولت‌ها به ارتقای امنیت غذایی و دسترسی به غذای کافی، ایمن و مغذی برای نسل‌های حال و آینده همگام با پنج اصل پذیرفته‌شده در اجلاس امنیت غذایی جهانی پایدار رم سال ۲۰۰۹ (The Five Rome Principles for Sustainable Global Food Security, adopted in 2009)، از جمله برای کودکان زیر

دو سال و از طریق راهبردهای امنیت غذایی و تغذیه‌ای مناسب ملی، منطقه‌ای و جهانی، باز تأیید شد.

در ادامه تصدیق شد که بخش عمده زندگی فقیرانه دنیا در مناطق روستایی صورت می‌گیرد و جوامع روستایی نقش مهمی در توسعه اقتصادی بسیاری از کشورها بازی می‌کنند. به همین منظور، نیاز به احیای بخش‌های توسعه کشاورزی و روستایی (به ویژه در کشورهای در حال توسعه) از طریق روش‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی پایدار، اتخاذ اقدام‌های لازم برای رسیدگی بهتر به نیازهای جوامع روستایی از طریق افزایش دسترسی برای تولیدات کشاورزی توسط تولیدکنندگان کوچک، زنان، مردم بومی و مردمی که در موقعیت‌های آسیب‌پذیر زندگی می‌کنند، با تأمین و ایجاد اعتبار و سایر خدمات مالی، بازارها، بهره‌مندی از زمین‌های مناسب و امن، مراقبت‌های بهداشتی، خدمات اجتماعی، آموزش و پرورش، دانش و فناوری‌های مناسب و به صرفه، از جمله برای آبیاری‌های کارآ، استفاده مجدد از پساب فاضلاب و برداشت و ذخیره‌سازی آب، توانمندسازی زنان روستایی به عنوان عوامل مهم افزایش توسعه روستایی، کشاورزی و امنیت غذایی و تغذیه‌ای و اهمیت فعالیت‌های کشاورزی سنتی پایدار، از جمله سیستم‌های تأمین بذر سنتی برای مردم بومی و محلی مورد توجه قرار گرفت (بند ۱۰۹).

همچنین به تنوع نظام‌ها و شرایط کشاورزی (در دنیا) و افزایش تولید پایدار محصولات کشاورزی و بهره‌وری جهانی آن، از جمله بهبود کارایی بازارها نظام‌های تجاری و تقویت همکاری‌های بین‌المللی، به ویژه برای کشورهای در حال توسعه، با افزایش سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی در کشاورزی پایدار، مدیریت زمین و توسعه روستایی عنایت شد. نقاط مهم و کلیدی برای سرمایه‌گذاری و حمایت از منظر این سند عبارت بودند از شیوه‌ها و اقدام‌های کشاورزی پایدار، زیرساخت‌های روستایی، ظرفیت‌های نگهداری و انبارش و فناوری‌های مرتبط، تحقیق و توسعه در فناوری‌های کشاورزی پایدار، همکاری‌های توسعه قوی کشاورزی و زنجیره ارزش و تقویت ارتباطات شهری - روستایی. تشخیص نیاز به کاهش

عمده ضایعات بعد از برداشت و سایر تلفات مواد غذایی در کل زنجیره تأمین غذا (بند ۱۱۰).

ضرورت ترویج، ارتقا و حمایت بیشتر از کشاورزی پایدار، از جمله محصولات کشاورزی، دام، جنگلداری، شیلات و آبی‌پروری که امنیت غذایی را بهبود می‌بخشد، فقر را از بین می‌برد و به لحاظ اقتصادی با دوام، در حالی که حفظ زمین، آب، گیاه و منابع ژنتیکی حیوانات، تنوع زیستی بار دیگر تأیید شد و بر اکوسیستم و افزایش انعطاف‌پذیری به تغییر آب و هوا و بلایای طبیعی. فهمیدن نیاز به حفظ فرآیند و چرخه منابع طبیعی اکولوژیکی (زیست‌محیطی) که از نظام‌های تولید مواد غذایی حمایت می‌کند، تأکید گردید (بند ۱۱۱)، ضمن اینکه بر ارتقای سیستم‌های تولید دام پایدار (The Sustainable Livestock Production Systems)، از جمله از طریق بهبود طرح چراگاه و آبیاری در راستای سیاست‌های ملی، قوانین و مقررات و بر تلاش برای از بین بردن و جلوگیری از گسترش بیماری‌های حیوانات و به رسمیت‌شناختن اینکه معیشت کشاورزان، از جمله دامداران و سلامت دام‌ها در هم تنیده است (بند ۱۱۲) و همچنین بر نقش حیاتی و خطر سلامت نظام‌های زیست‌محیطی دریایی، ماهی و آبزیان پایدار برای تأمین امنیت غذایی و تغذیه و امرار معاش میلیون‌ها نفر از مردم پافشاری شد (بند ۱۱۳).

به منظور افزایش و ارتقای تحقیقات کشاورزی، بر خدمات توسعه‌ای و آموزش و پرورش برای بهبود بهره‌وری کشاورزی و پایداری از طریق به اشتراک‌گذاری داوطلبانه دانش و شیوه‌ها و اقدام‌های مناسب اتخاذ تصمیم شد. همچنین بر بهبود دسترسی به اطلاعات، دانش فنی و تکنولوژی، از جمله از طریق فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات جدید که کشاورزان، ماهیگیران و جنگلداران به منظور انتخاب روش‌های متعدد برای دستیابی به تولید محصولات کشاورزی پایدار و فراخوان برای تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه تحقیقات کشاورزی برای توسعه تصریح شد (بند ۱۱۴).

نقش مهم و ماهیت فراگیر کمیته امنیت غذایی جهانی، از جمله از طریق نقش آن در تسهیل ارزیابی کشورها در آغاز

تولید پایدار مواد غذایی و امنیت غذایی مورد اشاره قرار گرفت و کشورها به اجرای داوطلبانه دستورالعمل‌های کمیته جهانی امنیت غذایی در خصوص حکومت مسئولانه و پاسخگو برای تولید اراضی، شیلات و جنگل‌ها در زمینه امنیت غذایی در سطح ملی توجه داده شدند (بند ۱۱۵).

از سوی دیگر، بر نیاز به رسیدگی به علل ریشه‌ای نوسانات قیمت بیش از حد مواد غذایی، از جمله علل ساختاری آن در تمام سطوح و نیاز به مدیریت ریسک مربوط به قیمت‌های بالا و نوسانات بیش از حد در محصولات کشاورزی و پیامدهای آن بر امنیت غذایی جهانی و تغذیه علاوه بر تأثیر بر کشاورزان خرد و شهرنشینان فقیر تأکید شد (بند ۱۱۶).

بر اهمیت ارائه اطلاعات و اطلاع‌رسانی به موقع، دقیق و شفاف در کمک به مقابله با نوسانات بیش از حد قیمت مواد غذایی و در همین خصوص توجه به نظام اطلاعات بازار کشاورزی (The Agricultural Market Information System) که به کوشش سازمان خواربار ملل متحد (فائو) راه‌اندازی می‌شود و بر مشارکت سازمان‌های بین‌المللی، عاملان بخش خصوصی و دولت برای تضمین انتشار عمومی و به موقع اطلاعات کیفیت مواد غذایی موجود در بازار توجه و تصریح شد (بند ۱۱۷).

همچنین با تکیه بر ابعاد اقتصادی و بازاری امنیت غذایی، بر اینکه یک نظام تجارت قانون‌مدار، باز و آزاد و چندجانبه، منصفانه و غیر تبعیض‌آمیز و عادلانه جهانی، توسعه روستایی و کشاورزی را در کشورهای در حال توسعه ترویج داده و در امنیت غذایی جهانی مشارکت خواهد داشت، توجه شد و بر راهبردهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای ترویج مشارکت کشاورزان به ویژه خرد شامل زنان در جامعه داخلی، منطقه‌ای و بازارهای بین‌المللی اصرار شد (بند ۱۱۸).

۲-۳. امنیت غذایی در بستر سیاستگذاری توسعه پایدار: اهداف و برنامه‌های توسعه هزاره که در قالب هشت هدف و برنامه کلی تا سال ۲۰۱۵ هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان شده بود، با همه کامیابی‌ها و ناکامی‌ها در تحقق کامل یا نسبی اهداف خود، رو به اتمام بود. مقدمه چینی و زمینه‌سازی

برای آنچه بعد از سال ۲۰۱۵ می‌بایست هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی می‌شد، در همین کنفرانس ریو ملل متحد در خصوص توسعه پایدار ۲۰۱۲ شکل گرفت. در این کنفرانس فرآیندی برای توسعه مجموعه جدید اهداف توسعه پایدار ترسیم شد که در فضا و بستر فراهم‌شده توسط اهداف توسعه هزاره انجام می‌شود و برای چهارچوب توسعه جهانی فراتر از سال ۲۰۱۵ مناسب است. مشورت‌های جهانی مفصلی برای ایجاد اهداف جدید با دستور کار توسعه و انسان‌محوری صورت گرفت. سازمان‌های مردم‌نهاد و جامعه مدنی، شهروندان، دانشمندان، اساتید و بخش خصوصی سراسر جهان به‌طور فعال درگیر این فرآیند شدند (۴۵).

دبیرکل سازمان ملل متحد تلفیقی از نتایج این فرآیندهای مشورتی را در نشست سال ۲۰۱۴ ارائه کرد. پیش‌نویس قطعنامه یادشده، محصول جمع‌بندی و پیشنهاد سال ۲۰۱۴ میلادی گروه کاری معین‌شده مجمع عمومی و برنامه‌ها و اقدام‌های مشارکتی وسیعی به منظور جلب نظر خبرگان، کارشناسان و شهروندان کشورهای دنیا بود. در جولای سال ۲۰۱۴، گروه کاری مذکور سندی شامل ۱۷ هدف را برای تصویب سازمان ملل متحد در سپتامبر ۲۰۱۵ پیشنهاد کرد. این سند، زمینه را برای اهداف جدید توسعه پایدار و دستور کار برنامه توسعه جهانی برای دوره زمانی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ ایجاد کرد. مجمع عمومی سازمان ملل در هفتادمین نشست خود در تاریخ ۲۵ سپتامبر سال ۲۰۱۵ قطعنامه‌ای را با عنوان «تغییر دنیای ما: برنامه سال ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» در قالب ۱۷ هدف و ۱۶۹ مقصد تصویب نمود (۲۰).

مطابق مقدمه این سند، اهداف جدید توسعه پایدار مبتنی بر اهداف توسعه هزاره و به منظور تکمیل آنچه اهداف اخیرالذکر به آن دست نیافت و اهداف جدید یادشده به دنبال اجرای حقوق بشر برای همه و دستیابی به برابری جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران می‌باشد (۲۰). ادعا شده است که این اهداف به صورت یکپارچه و تجزیه ناپذیر، سه بعد توسعه پایدار، یعنی اقتصاد، جامعه و محیط زیست را متعادل و متوازن می‌کنند.

اهداف توسعه پایدار مجموعه جدیدی از اهداف، مقاصد و شاخص‌هایی هستند که از اعضای سازمان ملل متحد توقع می‌رود که در طول ۱۵ سال آینده در سیاستگذاری‌های سیاسی و چهارچوب برنامه‌های خود به کار گیرند و از ابتدای سال میلادی ۲۰۱۶ به اجرا درخواهد آمد (۲۰، ۴۶) و برای تصمیم‌های ۱۵ سال آینده نقش‌آفرینی خواهد کرد.

در بند ۷ از قسمت مقدمه این قطعنامه، ذیل عنوان چشم‌انداز بر داشتن دنیایی با حق بشری برای نوشیدن آب ایمن (سالم) و بهداشت و جایی که بهداشت ارتقا یافته باشد، دنیایی که غذای کافی، ایمن، با قیمت مناسب و مغذی وجود داشته باشد، اشاره شده است. همچنانکه در بند نهم همین قسمت به چشم‌اندازی دنیایی با «الگوهای مصرف و تولید پایدار و استفاده پایدار از منابع طبیعی» اشاره شده است. دست آخر چشم‌اندازی دنیایی که زندگی بشریت با طبیعت در هماهنگی و تناسب باشد و حیات وحش و سایر گونه‌های موجودات/ زندگی حفظ و حمایت شود.

مجمع عمومی ملل متحد در بند سیزده سند یادشده تأکید کرد، توسعه پایدار چنین درک شده است که حذف فقر در تمامی اشکال و ابعادش، مبارزه با نابرابری در و میان کشورها، حفظ و حراست از زمین، ایجاد رشد پایدار، فراگیر و مستمر اقتصادی و پرورش اجتماعی به یکدیگر مرتبط و وابسته است.

۳-۲-۱. پایان دادن به گرسنگی، دستیابی به امنیت غذایی و بهبود تغذیه و ترویج کشاورزی پایدار: سه هدف نخست اهداف توسعه پایدار از اهداف هفده‌گانه، به ارتقای سطح زندگی و معیشت اختصاص یافته است (۴۷-۴۸)؛ عنوان دومین هدف از این مجموعه «پایان دادن به گرسنگی، دستیابی به امنیت غذایی و بهبود تغذیه، ترویج کشاورزی پایدار» است. همانطور که نخستین هدف «پایان دادن به فقر در تمام اشکال آن در هر کجا»؛ سومین هدف «تضمین زندگی سالم و ترویج رفاه برای همه در تمام سنین» است. در بند ۲۴ سند مذکور نیز به مناسبت خاتمه‌دادن به فقر در همه اشکال و ابعاد آن به تعیین خاتمه فقر و دستیابی به امنیت غذایی به

عنوان یک اولویت و پایان دادن به تمامی اشکال سوءتغذیه اشاره شده است.

ذیل هدف دوم، اهداف فرعی دیگری ترسیم شده است که اهم آن عبارتند از:

- خاتمه‌دادن به گرسنگی و تضمین دسترسی همه مردم به ویژه افراد فقیر و افراد در شرایط آسیب‌پذیر شامل نوزادان، به غذای ایمن، مغذی و کافی در طول سال.

- تا سال ۲۰۳۰، تمامی اشکال سوءتغذیه خاتمه داده شود، شامل دستیابی به مقاصد پذیرفته‌شده بین‌المللی بر کوتاه‌مدتی و کم‌وزنی کودکان زیر ۵ سال و تأمین نیازهای تغذیه‌ای دختران بزرگسال، باردار و زنان شیرده و افراد مسن.

- تا سال ۲۰۳۰ تولید و بهره‌وری کشاورزی و درآمد تولیدکنندگان مواد غذایی در مقیاس کوچک، به ویژه زنان مردم بومی، کشاورزان خانوادگی، دامداران و ماهیگیران، از جمله از طریق دسترسی ایمن و برابر به زمین، سایر منابع تولید و مواد اولیه، دانش، خدمات مالی، بازارها و فرصت‌هایی برای ایجاد ارزش و اشتغال غیر کشاورزی دو برابر شود.

- تا سال ۲۰۳۰ نظام تولید مواد غذایی پایدار و تدابیر کشاورزی مقاوم که بهره‌وری و تولید را افزایش می‌دهد و به حفظ اکوسیستم و تقویت ظرفیت انطباق با تغییرات آب و هوایی، آب و هوای سخت و شدید، خشکسالی، سیل و بلایای دیگر که به تدریج کیفیت زمین و خاک را بهبود می‌بخشد، اجرایی شود.

- تا سال ۲۰۲۰ تنوع ژنتیکی دانه‌ها/ بذرها، گیاهان زراعی و حیوانات پرورشی/ اهلی و گونه‌های وحشی مربوط به آن‌ها، از جمله از طریق بانک نهال و بذرها مدیریت‌شده و متنوع در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و گسترش/ ترویج دسترسی به سهم منصفانه و عادلانه منافع حاصل از استفاده از منابع ژنتیکی و دانش سنتی ذی‌ربط به عنوان یک توافق بین‌المللی حفظ و نگهداری شود.

- افزایش سرمایه‌گذاری شامل همکاری‌های بین‌المللی ارتقایافته، در زیرساخت‌های روستایی، تحقیقات و توسعه خدمات کشاورزی، توسعه فناوری و ژن گیاهی و دامی بانک به

منظور افزایش ظرفیت تولید کشاورزی در کشورهای در حال توسعه به ویژه کشورهای کمتر توسعه یافته.

- اصلاح و جلوگیری از محدودیت های تجاری و تحریف در بازارهای جهانی کشاورزی، از جمله از طریق حذف موازی تمامی اشکال یارانه های کشاورزی و تمامی تدابیر صادراتی با اثر معادل مطابق با دستور توسعه دوحه.

- اتخاذ تدابیری برای اطمینان از کارکرد مناسب بازارهای مواد غذایی و مشتقات آن ها و تسهیل دسترسی به موقع به

اطلاعات بازار، از جمله در خصوص ذخایر غذایی، به منظور کمک به محدود کردن نوسانات قیمت شدید مواد غذایی.

مؤسسه تحقیقات سیاست غذایی بین المللی در گزارش سال ۲۰۱۵ خود راجع به تغذیه در این خصوص که چگونه بهبود و ارتقای تغذیه می تواند در تحقق اهداف توسعه پایدار مشارکت کند، جدول مفیدی را استخراج و منتشر کرده است که به دلیل اهمیت و کارایی، ترجمه آن با ابتکار و برگردان پژوهشگر به فارسی نقل می شود (۴۹):

جدول ۱: چگونه بهبود تغذیه می تواند در تحقق اهداف توسعه پایدار مشارکت کند؟

عنوان هدف توسعه پایدار	ارتباط تغذیه با هدف توسعه پایدار
پایان دادن به فقر در تمامی اشکال در هر کجا	تغذیه ثابت می کند که موجب کاهش فقر بین نسلی و ارتقای توان نیوری کار، درآمدهای کسب شده و نرخ دستمزد است.
پایان دادن به گرسنگی، دستیابی به امنیت غذایی و ارتقای تغذیه و توسعه کشاورزی پایدار	هدف ۲، پایان دادن به تمامی اشکال سوء تغذیه تا ۲۰۳۰ است. شاخص مطرح شده در اهداف توسعه پایدار شامل ارتباط با دو هدف تغذیه ای نشست جهانی بهداشت (سلامتی) است. وضعیت تغذیه فعالیت بزرگسالان را در کارهای کشاورزی بهبود می بخشد. وضعیت بهتر تغذیه زنان، زنان را در کشاورزی توانمند می سازد.
تضمین زندگی توأم با سلامتی و برای همه در هر سنی	تمرکز بر دوره ماقبل و بخش نخست ۱۰۰۰ روزه خطر ولادت نوزادان کم وزن را کاهش می دهد و وضعیت تغذیه زنان را بهبود می بخشد. سوء تغذیه در ریز مغذی ها و سابقه کوتاه قدی مادرزادی نسبت به وزن در دوران نوزادی با مرگ و میر مادرزادی و کم وزنی در هنگام تولد مرتبط می شود. ۴۵ درصد از مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال به سوء تغذیه مربوط است. کوتاه قدی نسبت به وزن با یکی از بیماری ها غیر مسری (غیر واگیردار) (Non-Communicable Diseases) بعدی در زندگی و فعالیت های کمتر در بزرگسالی مرتبط است. کاهش اضافه وزن و چاقی در ابتلای کمتر بیماری های غیر ارتباطی سهیم است. بیماری های غیر مسری (مالاریا، ایدز و...) با صدمات و مرگ و میر ناشی از تغذیه مرتبط است.
تضمین کیفیت آموزش/ یادگیری منصفانه و دربرگیرنده و بهبود فرصت های آموزشی مادام العمر	یادگیری با رشد کودکانه سریع مرتبط است که تغذیه در آن بسیار با اهمیت است. وضعیت تغذیه در هزار روز نخست با اتمام و دستیابی به درجات تحصیلی به ویژه در دختران جوان مرتبط است.
نیل به عدالت جنسیتی و توانمندسازی زنان و دختران	بهبود وضعیت تغذیه ای دختران، جوانان و زنان، توانایی آنان را در انجام بهتر امور در مدرسه و توانمند شدن در نیروی کار و جامعه افزایش می دهد.
تضمین موجود بودن و مدیریت پایدار آب و سلامتی برای همه	آب، سلامتی و بهداشت مهم ترین اجزای تغذیه هستند.
ایجاد رشد اقتصادی پایدار، دربرگیرنده و باثبات، اشتغال کامل و مؤثر و کار مناسب برای همگان	هزینه کمبود تغذیه دست کم ۸ تا ۱۱ درصد جی ان پی است. جلوگیری از کوتاه قدی کودکان درآمدهای حاصل آن ها را در بزرگسالی افزایش می دهد.
کاهش نابرابری در داخل و در میان کشورها	نرخ کوتاه قدی نشان می دهد که نابرابری فعلی باعث تداوم نابرابری آینده است.

عنوان هدف توسعه پایدار	ارتباط تغذیه با هدف توسعه پایدار
اتخاذ اقدامهای عاجل در خصوص مقابله با تغییرات آب و هوایی و تأثیرات آن محافظت و استفاده پایدار از اقیانوسها، دریاها و منابع آبی برای توسعه پایدار حمایت، نگهداری و بهره‌برداری پایدار از اکوسیستم، مدیریت باثبات جنگل‌ها و مبارزه با جنگل‌زدایی و تخریب و دگرگونی خاک و...	انواع رژیم غذایی بر انتشار گازهای گلخانه‌ای اثر می‌گذارد و ردپای گسترده‌تر زیست‌محیطی به تولید، توزیع و مربوط می‌شود.

لازم به توضیح است نه تنها تغذیه در بسیاری از ابعاد توسعه پایدار مشارکت می‌کند، بلکه توسعه پایدار نیز در معنای موسع خود به تغذیه بهتر مردم منتهی می‌شود. در مقیاس جهانی، شواهد روشن و شفاف است. به عنوان نمونه بهبودهای حاصل‌شده در نتایج توسعه مانند بازگشایی مدارس دختران، دسترسی به آب بهبود یافته و بهداشتی و تأمین غذای بهبود یافته عوامل مهمی در کاهش کوتاه‌مدتی نسبت به وزن در تحقیقات معرفی شده‌اند. در سطح ملی، کشورها و دولت‌هایی که به طور خاص با مشکل سوءتغذیه مواجه بوده‌اند، با مداخلات و پیشرفت برای ارتقای تغذیه‌ای، پیشرفت مضاعفی داشته‌اند، مانند برزیل، ویتنام، بنگلادش، نپال و هند. تجارب برخی کشورهای دیگر مانند تانزانیا و کلمبیا نشانگر آن است که سطح گسترده‌ای از عوامل به بهبود وضعیت تغذیه مرتبط است (۵۰-۴۹).

۲-۲-۳. تضمین الگوهای مصرف و تولید پایدار: در خصوص شرایط و الزامات تحقق امنیت غذایی، هدف دوازدهم از این مجموعه اهداف، تضمین الگوهای مصرف و تولید پایدار می‌باشد که طی آن مجموعه‌ای از مقاصد برای نیل به هدف مذکور ترسیم و طراحی شده است:

- اجرای چهارچوب برنامه‌های ده‌ساله الگوهای مصرف و تولید پایدار، دستیابی به مدیریت پایدار و کارآمد استفاده از منابع طبیعی تا سال ۲۰۳۰.

- نصف کردن سرانه جهانی زباله‌ها/ ضایعات غذایی در سطح خرده‌فروشی و مصرف‌کننده و کاهش تلفات غذا در خلال تولید و زنجیره تأمین/ عرضه تا سال ۲۰۳۰.

- دستیابی به مدیریت سازگار با محیط زیست مواد شیمیایی و ضایعات در طول دوره حیاتشان مطابق با چهارچوب توافقات بین‌المللی و کاهش عمده انتشار/ نفوذ آن‌ها به هوا، آب و خاک به منظور کم‌ترکردن پیامدهای نامطلوب آن‌ها بر سلامت انسان و محیط زیست تا سال ۲۰۲۰.

- کاهش با ثبات و پایدار تولید زباله از طریق پیشگیری، کاهش و بازیافت و استفاده مجدد تا سال ۲۰۳۰.

- تشویق شرکت‌های بالاخص بزرگ و چندملیتی به اتخاذ اقدام‌های پایدار و یکپارچه‌سازی اطلاعات پایدار به چرخه گزارش‌دهی خود، ترویج شیوه‌های تأمین/ تدارک عمومی پایدار مطابق با سیاست‌ها و اولویت‌های ملی.

- تضمین اینکه مردم هر جا که باشند، اطلاعات مرتبط و آگاهانه‌ای در خصوص توسعه پایدار و سبک زندگی هماهنگ با طبیعت را تا سال ۲۰۳۰ در اختیار دارند.

- حمایت از کشورهای در حال توسعه برای تقویت ظرفیت علوم و فناوری برای جا به جایی/ حرکت به سوی الگوهای پایدار مصرف و تولید.

- توسعه و اجرای ابزارهایی برای رصد تأثیرهای توسعه پایدار برای گردشگری پایداری که ایجاد اشتغال و ترویج محصولات و فرهنگ بومی نماید و...

۳-۲-۳. حصول اطمینان از موجود بودن و مدیریت پایدار آب و بهداشت برای همه: هدف ششم از مجموعه برنامه‌های توسعه پایدار با عنوان «تضمین موجود بودن و مدیریت پایدار آب و بهداشت برای همه» را نیز نمی‌توان جدا از موضوع امنیت غذایی دانست، زیرا هر جا سخن از غذا هست،

آب نیز در پی آن روان است. ابتدا فرض غذای بدون آب و سپس آب بدون غذا امروزه امری محال و دور از ذهن است، به ویژه با تأکید بر بحث کشاورزی پایدار و بحران آب در برخی نقاط دنیا، توجه به منابع آبی برای مصارف نوشیدن یا زراعت یا حتی صنایع تبریدی و... ضرورت مضاعفی پیدا کرده است. برنامه‌های جزئی‌تری با رؤس تحقق دسترسی جهانی و منصفانه به آب آشامیدنی سالم و با قیمت مناسب، بهداشت و سلامتی، بهبود کیفیت آب با کاهش انواع آلودگی و نصف کردن فاضلاب تصفیه‌نشده، کارآمد کردن استفاده از آب، مدیریت منابع آبی، حفظ و استرداد اکوسیستم‌های مربوط به آب، گسترش همکاری‌های بین‌المللی و پشتیبانی‌های ظرفیت‌سازی برای کشورهای در حال توسعه در آب و اقدام‌های مرتبط با سلامت آب، جلب، حمایت و تقویت مشارکت جوامع محلی در بهبود مدیریت آب و سلامت، ذیل هدف عمده ششم طراحی و ترسیم شده است (۲۰).

۳-۲-۴. ترویج با ثبات، فراگیر و پایدار رشد اقتصادی، اشتغال کامل و بهره‌ور و کار مناسب برای همه: از آنجا که سخن از امنیت غذایی پایدار بدون رشد اقتصادی، اشتغال و کار مناسب و بهره‌ور به عنوان زیرساخت‌های ضروری برای تقویت ارکان امنیت غذایی به ویژه ارکان موجود و کافی بودن و دسترسی و رکن ثبات، گزافه است، هشتمین هدف توسعه پایدار به درستی به ترویج با ثبات، فراگیر و پایدار رشد اقتصادی، اشتغال کامل و بهره‌ور و کار مناسب برای همه اختصاص یافته است.

۳-۲-۵. صلح و امنیت فراگیر و جهانی و عدالت همگانی: حکومت کارآمد و مؤثر قانون، حکمرانی خوب در تمام سطوح و به صورت شفاف و مؤثر و سازمان‌های مسئول و پاسخگو بنیان چنین جوامعی هستند. در مقابل، عوامل منتهی به خشونت، ناامنی و ناعدالتی مانند نابرابری و تبعیض، فساد، حکمرانی ضعیف، جریان‌های اقتصادی - نظامی نامشروع، تهدیدی برای توسعه پایدار و تحقق اهداف مذکور به شمار می‌روند. تلاش برای جلوگیری یا حل و فصل اختلافات و تعارض‌های داخلی و خارجی کشورها در این خصوص امری ضروری است. بنابراین

توجه به صلح و امنیت مستقلاً به عنوان یکی از زیرساخت‌های اساسی توسعه پایدار و مآلاً امنیت غذایی در مجموعه اهداف یادشده ذکر شده است. هدف شانزدهم از این مجموعه با عنوان «ترویج صلح و جوامع فراگیر و جهانی برای توسعه پایدار، فراهم کردن دسترسی به عدالت برای همگان و بنانهادن نهادهای فراگیر، پاسخگو و مسئول و کارآمد در همه سطوح» در پی تحقق آن است. تعبیر صحیح و اصولی در سند مذکور با عنوان «توسعه پایدار بدون صلح و امنیت فهمیده نمی‌شود و صلح و امنیت بدون توسعه پایدار در مخاطره خواهد بود» (بند ۳۵)، مبین ارتباط تنگاتنگ میان این دو مقوله است. بنابراین مفهوم توسعه پایدار و امنیت در جوامعی قابل تحقق و فهم و اجرا است که صلح، آرامش، عدالت و انصاف برای بشریت حق توسعه (The Right to Development) را در عداد حقوق بشر رقم بزند.

اهداف جزئی‌تری مانند کاهش تمامی اشکال عمده و مرتبط با نرخ مرگ و میر در همه جای جهان، پایان دادن به سوءاستفاده، استثمار و بهره‌کشی، قاچاق و تمامی اشکال خشونت و شکنجه علیه کودکان، کاهش جریان‌های تسلیحاتی و اقتصادی نامشروع، تقویت و بازیابی و برگرداندن دارایی‌های به سرقت رفته و مبارزه با تمامی اشکال جرائم سازمان‌یافته، کاهش پایدار فساد و ارتشا در تمامی اشکال آن، توسعه نهادهای شفاف، پاسخگو و مسئول و کارآمد در تمامی سطوح، تضمین تصمیم‌گیری‌های مسئولانه، فراگیر، مشارکتی در تمامی سطوح، گسترش و تقویت مشارکت کشورهای در حال توسعه در نهادهای حکومت جهانی، تضمین دسترسی به اطلاعات و حمایت از آزادی‌های بنیادین مطابق با تقنین ملی و توافقی‌های بین‌المللی، تقویت نهادهای ملی ذی‌ربط، شامل مشارکت‌های بین‌المللی برای ظرفیت‌سازی در تمامی سطوح به ویژه در کشورهای در حال توسعه، برای پیشگیری از خشونت و مبارزه با تروریسم و جنایات (جرائم) و ترویج و اجرای قوانین و سیاست‌های غیر تبعیض‌آمیز برای توسعه پایدار، ذیل این هدف عمده و کلی ترسیم شده‌اند.

روش

این پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیلی - توصیفی از طریق گردآوری، مطالعه و تحلیل منابع و اسناد کتابخانه‌ای و اینترنتی، تدوین و نگارش شده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

حق بر توسعه به عنوان حقوق بشر نسل سوم مبنای امنیت غذایی قرار گرفته است. امنیت غذایی نیز یکی از اجزا و شاخص‌ها و اهداف توسعه پایدار است. به بیان دیگر، امنیت غذایی در بستر توسعه پایدار محقق می‌شود و خود، عامل ایجاد توسعه پایدار است. هدف دوم از مجموعه اهداف هفده‌گانه توسعه پایدار به صراحت تضمین امنیت غذایی، تغذیه و کشاورزی پایدار را از اهداف و برنامه‌های تحقق توسعه پایدار تا سال ۲۰۳۰ برشمرده است. همچنین در اجلاس ریو به علاوه بیست در سال ۲۰۱۲ با عنوان کنفرانس ملل متحد برای توسعه پایدار بر موضوع امنیت غذایی تأکید شد. یافته‌های پژوهش حاکی از شناسایی هنجار امنیت غذایی توسط سیاستگذار ایرانی در چهارچوب اسناد بین‌المللی (به معنای خاص) همراه با واکاوی جلوه‌های سیاستگذاری‌های عمومی متنوع در ابعاد توسعه‌ای، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فنی امنیت غذایی در اسناد بین‌المللی است.

بحث

ایجاد چند راهی دانش میان مباحث امنیت غذایی، توسعه پایدار و سیاستگذاری عمومی و جنایی، محور اصلی این پژوهش است که به شرح متن مقاله و طبقه‌بندی مباحث، به صورت مستوفی، تبیین و سیاستگذاری امنیت غذایی بر محور توسعه پایدار و تأثیر متقابل آن در ترویج توسعه پایدار و

زیست همزمان پدیده جنایی تهدیدگر امنیت غذایی در بستر سیاست جنایی و ضرورت پاسخ‌گذاری تحلیل گردید.

نتیجه‌گیری

امنیت غذایی در آینده‌ای که خواست جامعه بین‌المللی است، همچنان با سیاستگذاری و هدف‌گذاری همه‌جانبه در ابعاد مختلف امنیت غذایی آمیخته است. گویی تحقق امنیت غذایی پایدار جز با توسعه پایدار و به تعبیر بومی، رشد و پیشرفت متوازن در ابعاد فنی، علمی، اقتصادی و زیست‌محیطی با شرایط با ثبات و مسئولانه حاکمیتی میسر نخواهد بود. امری که می‌تواند به رغم اختلاف در هدف‌گذاری‌های داخلی با هدف‌گذاری‌های بین‌المللی به عنوان بستر توجه، تأمین و ارتقای امنیت غذایی (به رغم اختلاف در مفهوم و هدف‌گذاری توسعه و پیشرفت)، آموزه‌ای برای سیاستگذاری ملی نیز باشد. به نظر نگارنده، از مجموعه اهداف هفده‌گانه توسعه پایدار سازمان ملل متحد مصوب هفتادمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد سپتامبر ۲۰۱۵ برای دوره پانزده ساله ۲۰۱۶ تا ۲۰۳۰ موسوم به «تغییر دنیای ما: برنامه توسعه پایدار سال ۲۰۳۰ میلادی» که پس از اتمام دوره زمانی پیش‌بینی‌شده برای اهداف هشت‌گانه توسعه هزاره مصوب سال ۲۰۰۰، در فرآیندی مشارکتی تدوین و تصویب شده است، ضمن توجه به علل و عوامل آن و اهتمام به پیشگیری‌های عام و غیر کیفری با مشارکت نهادهای مدنی و حاکمیتی به ویژه مبتنی بر اهداف دوم، ششم و دوازدهم از مجموعه اهداف، از اهداف جزئی ذکرشده ذیل هدف شانزدهم و تأکید بر مبارزه با فساد، قاچاق، تروریسم و تمامی اشکال جرائم سازمان‌یافته، بتوان چنین استنباط و تحلیل کرد که در چهارچوب آخرین اسناد مربوط به سیاستگذاری‌ها و برنامه‌های کلان آتی ملل متحد و در نظرگرفتن امنیت غذایی، تغذیه مناسب و کشاورزی پایدار به عنوان جزئی از توسعه پایدار، جرائم سازمان‌یافته و تروریسم، از جمله جرائم مرتبط با حوزه امنیت غذایی بالاخص بیوتروریسم، اگر تروریسم و تروریسم غذایی تا انواع قاچاق، ضمن توجه به علل و عوامل آن و اهتمام

بیانیه هوش مصنوعی

در تدوین این پژوهش، از هوش مصنوعی استفاده نشده است.

به پیشگیری غیر کیفری با مشارکت نهادهای مدنی و حاکمیتی، مبارزه و سرکوبگری کیفری نیز هست، هرچند تبیین جزئیات این سیاست جنایی در حوزه تروریسم فعلاً مبتنی بر اسناد بین‌المللی ضد تروریستی به معنای عام است و تدوین سیاست جنایی افتراقی در حوزه امنیت غذایی در سطح بین‌المللی نیازمند زمانی برای تکمیل تدوین و تصویب اسناد فراملی و جهانی آتی و در سطح ملی و منطقه‌ای، مستلزم سیاست‌های جنایی خاص هر کشور و هر منطقه و نهادها و سازمان‌های فعال در همان کشور یا منطقه است.

همچنین در سیاست‌ها و برنامه‌های یادشده جز چند مورد که بر ضرورت وجود بستر و چهارچوب قانونی برای وضع، برخی الزام‌ها در حوزه ایمنی غذایی و... اشاره کرده است، سایر برنامه‌ها و اقدام‌ها در حوزه پاسخ‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، بهداشتی و مدیریتی کلان و خارج از حوزه پاسخ‌گذاری‌های حقوقی یا با تمرکز بر پیشگیری غیر کیفری صورت گرفته و بستر سیاست جنایی را در سیاستگذاری عمومی قرار داده است.

مشارکت نویسندگان

مهدی قربانی قلجلو تمامی مراحل پژوهش را به انجام رسانده و ضمن تأیید نسخه نهایی، مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

تأمین مالی

نویسنده اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

References

1. Rasekh M, Ameri F. The Concept of 'Third Generation Rights'. Public Law Research. 2013; 15(39): 167-196. [Persian]
2. Vakil AS, Asgari P. Third Generation of Human Rights (Solidarity Rights). Tehran: Majd Publications; 2004. [Persian]
3. Seyyed Fatemi SMQ. Human Rights in the Contemporary World. Tehran: Shahr-e Danesh Publications; 2009. Vol.2. [Persian]
4. Asalat M. The Concept of Third Generation Rights. Tehran: Shahid Beheshti University; 2010. [Persian]
5. Mousavi SA. The right to development: Examining the human rights aspects of development. The Journal of Foreign Policy. 1999; 13(2): 473-508. [Persian]
6. Habibzadeh T, Seifi H. The influence of good governance on implementing the right to development. Journal of Judicial Law Views. 2013; 18(62): 11-38. [Persian]
7. Shahbazi A. "Sustainable Development" or the "Sustainability of Development" in International Law. International Law Journal. 2010; 27(42): 125-139. [Persian]
8. Sengupta A. On the Theory and Practice of the Right to Development. Translated by Tavassoli Jahromi M. International Law Journal. 2004; 21(30): 179-250. [Persian]
9. Shaygan F. The Right to Development. Tehran: Gerayesh Publications; 2009. [Persian]
10. Molaii Y. Right to Development: From Political to Legal Claim. Politics Quarterly. 2011; 40(4): 315-334. [Persian]
11. Khor M. Globalization and the South. Translated by Saei A. Tehran: Ghoomes Publications; 2004. [Persian]
12. Kanath R. Theoretical Models in Economics and Development. Translated by Azad GR. Tehran: Didar Publications; 1995. [Persian]
13. Huntington S. Development goals. Translated by Gazerani S. Development Culture. 1993; 9. [Persian]
14. Amir AA. Challenges of the North and South in Facing Sustainable Development in International Environmental Law. Tehran: University of Tehran; 2007. [Persian]
15. UNESCO. Educating for a Sustainable Future Thessaloniki. 1997. Government of Greece.
16. Arnold SH. Sustainable Development: A Solution to the Development Puzzle. Development Journal. 1989; 2(3): 21-25.
17. Singh G. Legal Aspects of Sustainable Development. Edallat-e Arra Journal. 2005; 1: 11-19. [Persian]
18. Barrow CJ. Sustainable Development: Concept Value and Practice. Third World Plan Review. 1995; 17(4): 369-386.
19. United Nations. World Commission on Environment and Development. Report of the WCED: Our Common Future; 1987. p.43. Available at: <http://www.worldinbalance.net/intagreements/1987-brundtland.Php>.
20. UN Resolution (adopted by the General Assembly). Transforming Our World: The 2030 Agenda for Sustainable Development; 2015. (A/70/L.1). Available at: http://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=A/RES/70/1&Lang=E.
21. UN Resolution. The Future We Want, Rio de Janiro-Brazil: United Nations Conference on Sustainable Development; 2012. A/RES/66/288. Available at: <https://sustainabledevelopment.un.org/index.php?menu=1298>.
22. Najafi Abrandabadi AH. From Criminal Policy to Criminological Policy. Preface to the first edition of: Lazerges C. An Introduction to Criminal Policy. Translated by Najafi Abrandabadi AH. 5th ed. Tehran: Mizan Publications; 2016. [Persian]
23. Delmas-Marty M. Les Grands Systèmes de Politique Criminelle. Translated by Najafi Abrandabadi AH. 5th ed. Tehran: Mizan Legal Foundation; 2023. [Persian]
24. Hosseini SM. Criminal Policy in Islam and the Islamic Republic of Iran. 5th ed. Tehran: SAMT Publications; 2024. [Persian]
25. Ashtarian K. Policy sciences and its achievements for Iran. Faculty of Law and Political Sciences Review, University of Tehran. 1997; 37: 159-170. [Persian]
26. Malek Mohammadi HR. Public Policy and Lecturer. 1st ed. Tehran: Islamic Revolution Documents Center; 2004. [Persian]
27. Majid V. Public Policy. 6th ed. Tehran: Mizan Publications; 2023. [Persian]
28. Ashtarian K. Public Policy in Iran. 1st ed. Tehran: Mizan Publications; 2007. [Persian]

29. Ashtarian K. Pathology of the Public Policy Process in Iran. Tehran: Office of Political Studies, Ministry of Interior; 2006. [Persian]
30. Lazerges C. An Introduction to Criminal Policy. Translated by Najafi Abrandabadi AH. 5th ed. Tehran: Mizan Publications; 2016. [Persian]
31. Drake University. Food Policy Council Questions and Answers: What is a food policy? State and Local Food Policy Councils. Iowa Food Policy Councils, 2005. Available at: <http://www.law.drake.edu/academics/agLaw/docs/ifpcArchive-SFPP04.pdf> & <http://www.statefoodpolicy.org/?pageID=qanda#WhatIsAFoodPolicy>.
32. Byerlee D, Jayne T, Myers RJ. Managing Food Price Risks and Instability in a Liberalizing Market Environment: Overview and Policy Options. Food Policy. 2006; 31(4): 275-287.
33. Ghorbani Ghelejloo M. Iran's Criminal policy towards Behaviors Threatening Food Security: Analysis of Criminalization and Non-Criminal Governmental Responses. In: Rumi A, Dabiriyani S. Proceedings of the Conference on Food Security, Health and Development. Tehran: Tahoora Publications; 2016. p.105-114. [Persian]
34. Ghorbani Ghelejloo M, Kosha J. Iran's criminal Policy towards Behaviors Threatening Food Security: Analysis of Criminalization and Civil Responses. Tehran: 1st International Congress & 24th National Congress of Food Science and Technology of Iran; 2015. [Persian]
35. Ghorbani Ghalajloo M, Kousha J. Iranian Criminal Policy against the Behaviors Threatening Food Security: The Administrative and Disciplinary Answering Analysis in the Food Supply Chain. Iranian Journal of Food Science and Technology. 2017; 14(71): 333-350. [Persian]
36. Ghorbani Ghelejloo M. Iran's Criminal Policy and Food Security. Tehran: 3rd National and International Conference on Health, Wisdom and Governance; 2023. [Persian]
37. Kousha J, Ghorbani Ghelejloo M. Iranian Criminal Policy against Behaviors Threatening Food Security. Judicial Law Journal. 2018; 82(102): 129-160. [Persian]
38. Food Policy. Last Edited 6 Nov. 2025. Available at: https://en.wikipedia.org/wiki/Food_policy.
39. Millennium Development Goals (MDGs). 2000. Available at: <http://www.unmillenniumproject.org/goals/gti.htm>.
40. Sustainable Development Goals Fund (SDGF). From MDGs to SDGs. 2016. Available at: <http://www.sdgfund.org/mdgs-sdgs>.
41. United Nations System High Level Task Force on Global Food Security (HLTF). Food and Nutrition Security for All through Sustainable Agriculture and Food Systems. 2012. Available at: <http://un-foodsecurity.org/sites/default/files/HLTFsustainableAgricultureFoodSystems.Pdf>.
42. FAO. IFAD and WFP. The State of Food Insecurity in the World 2015 (SOFI 2015). Rome: Meeting the 2015 International Hunger Targets: Taking Stock of Uneven Progress; 2015. Available at: <http://www.fao.org/3/a-i4671e.pdf>.
43. Peace Child International. MDGS and SDGS Global Goals for the next 15 years. 2017. Available at: <http://peacechild.org/mdgs-and-sdgs-global-goals-for-the-next-15-years/>.
44. UNDP Official Website. A New Sustainable Development Agenda. 2015. Available at: <http://www.undp.org/content/undp/en/home/pressreleases/2015/09/24/undp-welcomes-qadoption-of-sustainable-development-goals-by-world-leaders.html>.
45. The World We Want. High-level Panel, the post-2015 Development Agenda. 2015. Available at: <https://www.worldwewant2015.org>.
46. Euro-active, INFOGRAPHIC: What are the SDGs about. 2016. Available at: <http://www.euractiv.com/sections/development-policy/infographic-what-are-sdgs-about-315651>.
47. Griggs D. From MDGs to SDGs: Key challenges and opportunities, future earth (Research for global sustainability). 2015. Available at: <https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/3490griggs.pdf>.
48. Griggs D. Sustainable Development Goals and the relationship to a post 2015 global development framework: A Beyond 2015 discussion paper. 2015. Available at: <https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/780beyond.pdf>.
49. International Food Policy Research Institute (IFPRI). Global Nutrition Report 2015: Actions and Accountability to Advance Nutrition and Sustainable Development. Washington, DC; 2015. Available at: chrome-extension://efaidnbmnnnnibpcajpcglclefindmkaj/https://www.fao.org/fileadmin/user_upload/raf/uploads/files/129654.pdf.
50. International Food Policy Research Institute (IFPRI), 2016 Global Hunger Index: Getting to Zero

Hunger. Washington, Dublin, Bonn: Welthungerhilfe, IFPRI and Concern Worldwide; 2016.

51. Ansari B. Criticism raised against Solidarity Rights and Responses to Them. Legal Research Quarterly. 2012; 15(58): 177-226.